
Recognition and Conceptualization of the Expression of Contentment Culture in *Guilan* Rural Society and Architecture (Case study: Mir Sayyar Shekili House)

Erfan Khamse Afkan Nezam¹, Mansoreh Tahbaz²

¹ PhD Candidate of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran

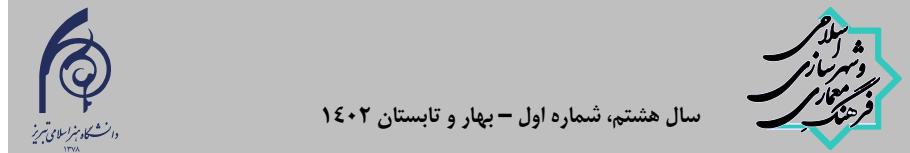
² Associated Professor, School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

In the Quranic vision and in the school of religious leaders, "contentment" is a valuable moral blessing that leads to wealth and self-sufficiency, because the behavior of the contented man is such that he bases his life on "moderation". Therefore, explaining and addressing "contentment architecture" as one of the "self-made pillars of Iranian society" which has been explained in the context of targeting Islamic civilization in the second step statement of the revolution, is important and valuable. The research questions are as follows: a) what are the basic components of persuasive lifestyle in Guilan province and what are its manifestations in different areas of life? b) How and in what way is the culture of contentment manifested in the vernacular architecture of Guilan? the study's conceptual achievement is to explain: "how the culture of contentment manifests in the patterns of behavior and architecture of Guilan"; based on reviewing the background of studies conducted by Iranian scholars and researchers in the field of content research in architecture, the innovation of the research is in the "case study" which is based on the research background (which most studies in the field of contentment and moral characteristics were studied about the house of desert areas). For the first time, "home architecture" is studied in the vintage and rich natural areas of Guilan province in terms of "contentment and its characteristics". the theoretical foundations section is divided into two parts: "conceptualizing the manifestation of the culture of contentment in the rural community of Guilan" and "recognition of the

manifestation of the culture of contentment in the rural architecture of Guilan"; in the first part, the culture of contentment in rural society and its manifestation fields were studied by comparative study with concepts and dimensions of contentment, and in the second part, in particular, the culture of contentment in the field of indigenous architecture of Guilan was examined. We adapted the study (Mir Syyar Shekili house) to the indicators of contentment in architecture. Studies show that the relationship of "contentment", "architecture and rural lifestyle" can be considered as a relationship based on "secrecy of nature" that in this spatial-physical pattern, children learn the first grounds of contentment through family and "child-mother" system. The culture of contentment in the field of rural architecture of Guilan in the social dimension is as "social equality between men and women (derived from rural collective work culture)" and in economic dimension as "the workshop of the ontology of the building of the house through the participation of all members of the family", which is a common manifestation of "being" and "presence" of the family institution in the context of the rural architecture of Guilan. In the scientific-technical dimension it is manifested in the form of "the mysteries of nature and its structures" and in the artistic dimension as "the use of symbols and symbols of ethnic-religious identity in the body of the building".

Keywords: life style, contentment, indices of contentment architecture, rural house of Guilan.

* Corresponding author. E-mail: St_e_khasmafkan@azad.ac.ir



سال هشتم، شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۲

بازشناسی و مفهومیابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه و معماری روستایی گیلان (نمونه مورد پژوهش: خانه شکلی میرسیار)

عرفان خصم‌افکن نظام^۱، منصوره طاهباز^۲

^۱ دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران‌جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰)

چکیده

در بینش قرآنی، «قناعت» فضیلت اخلاقی ارزشمندی است که موجب توانگری و خودبسندگی می‌گردد؛ از این‌رو، دستاوردهای مطالعاتی-مفهومی مقاله، تبیین چگونگی تجلی فرهنگ قناعت در الگوهای رفتاری و معماری گیلان می‌پاشد. بر این مبنای، سؤالات تحقیق بدین صورت می‌پاشند: مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی قانعانه در استان گیلان از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف زندگی به چه صورت می‌پاشد؟ و چگونه فرهنگ قناعت در معماری بومی گیلان متجلی می‌گردد؟ برا ساس مرور پیشینهای مطالعات در حوزه‌ی قناعت‌پژوهی در معماری، در فرآیند پژوهش، تمرکز ما حرکت از کلیات به منظور رسیدن به جزئیات «فرهنگ قناعت در گیلان» می‌باشد؛ بدین معنی که ما از «فرهنگ و تجزیه آن به عناصر سازنده‌ی فرهنگ (مانند زبان، سبک‌زنندگی، موسیقی، شعر و غیره)» شروع به شناخت کردیم، در بخش دوم به «ابعاد فرهنگ قناعت» در معماری روستایی گیلان پرداختیم و در بخش پایانی، برای رسیدن به مصادق‌های اثربنادر این فرهنگ در فضای ساخته شده‌ی معماری، به تحلیل خانه‌ی شکلی میرسیار براساس «شاخص‌های قناعت در معماری» پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرهنگ قناعت در ساحت معماری روستایی گیلان در بعد اجتماعی به صورت «برابری اجتماعی بین زن و مرد (برگرفته از فرهنگ کار جمعی روستایی)» و در بعد اقتصادی به صورت «کارگاه شناخت‌شناسی هستی ساخت خانه از طریق مشارکت همه اعضاء خانواده» که جلوه‌گاه مشترکی از «بودن» و «حضور» نهاد خانواده در بطن معماری روستایی گیلان می‌باشد. در بعد علمی- فنی در قالب «رازآموزی از طبیعت و ساختارهای آن» و در بعد هنری به شکل «استفاده از نماد و نشانه‌های هویت قومی- مذهبی در کالبد بنا» متجلی می‌شود.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، قناعت، شاخص‌های معماری قانعانه، خانه روستایی گیلان.

مقدمه

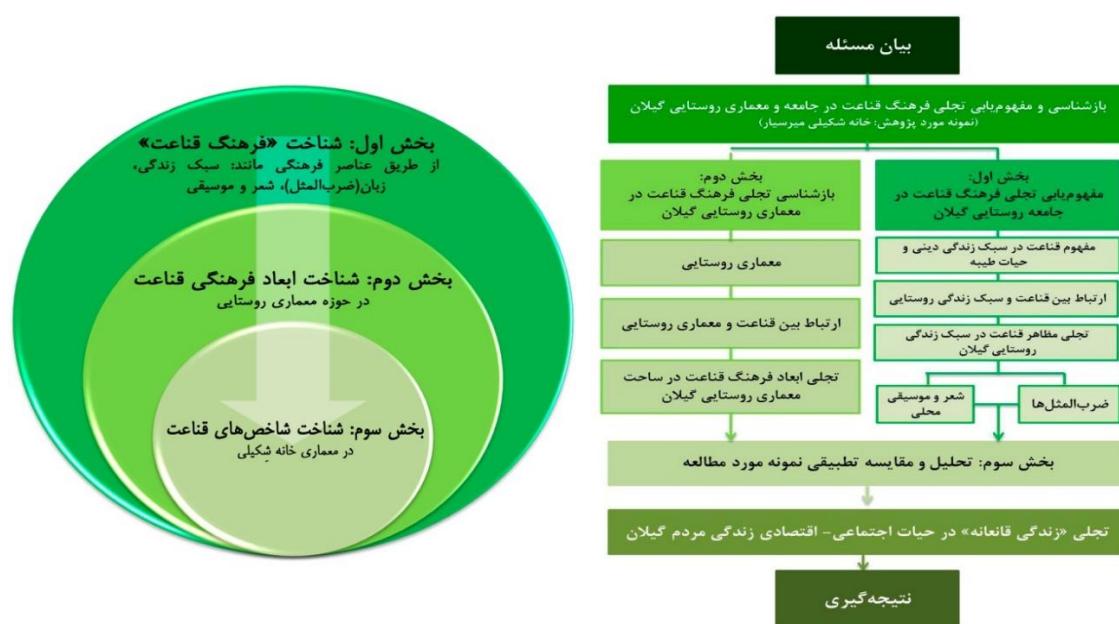
می‌گوییم تأثیری است که «فرد بر محیط (چگونه انجام می‌دهند؟)» می‌گذارد. در این بینش، «پیش‌زمینه‌های معرفتی انسان دینی، فرم‌های هنری را به نحوی شکل می‌دهد که ساخت و پرداخت اشیاء برونق طبیعت‌شان باشد (Nowruzi Talab 1999)» زیرا «معماری در نقطه‌ای از بستر طبیعت جایگزین می‌شود و در آن ریشه می‌دواند، از آن پند می‌گیرد و با آن پیوند می‌یابد (Zamani 1999). انسان روستاوی نیز به لحاظ ارتباط مستقیم و دائمی که با «صنعت الهی یعنی طبیعت دارد، از سانی راز آشنا و هنرمند است. طبیعت زنده، پویا و آموزنده است؛ هر انسانی با طبیعت سروکار داشته باشد، در همه ابعاد پرورده می‌شود. در بعد جسمی، مهارت‌های لازم را برای کار و تولید و سازندگی می‌آموزد؛ در بعد روحی، صاحب بصیرت می‌شود که ذوق و خرد و اندیشه و هنر را دربردارد. انسان روستاوی معماری خود را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی و با بصیرت نسبت به هستی و طبیعت، طراحی می‌کند و می‌سازد. او انسانی تولیدگر و فعال است و در عین حال یک هنرمند به تمام معنا است (Akrami & Jalilian 2010). پایین بودن سطح زندگی، نبود تخصص، دور بودن از امکانات شهری، مشکل دسترسی و غیره» از عواملی هستند که اهمیت قناعت و خودبستندگی در این مناطق را آشکار می‌سازد. در این راستا، فرضیه‌ای مبنی بر دو اصل مطرح است (Tahbaz 2002): الف) روستاویان براساس «تجربه زندگی و کشاورزی در محل»، شناخت کافی نسبت به وضعیت آب و هوایی و امکانات موجود داشته و قادرند «روش زندگی» و «ساخت و ساز» خود را با آن تطبیق دهند. ب) «امکانات بسیار محدود آنها» از نظر «دسترسی به تجهیزات مکانیکی سرمایشی و گرمایشی» و «سوخت موردنیاز»، موجب احداث بنایی منطبق با «شرط محیطی» شده که شرک‌دهای به کاررفته در آنها می‌توانند جوابگوی خصوصیات محیط و در تقابل با ناسازگاری‌های اقلیمی باشند. از این دیدگاه می‌توان رابطه‌ی «قناعت» و «سبک زندگی روستاوی» را رابطه‌ای برمبانی «رازآموزی از طبیعت» دانست.

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم «سبک زندگی» دو برداشت و مفهوم‌سازی متفاوت به عمل آمده است. در فرمول‌بندی نخست - که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ م. بازمی‌گردد - سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و به‌طور غالب، شاخصی برای تعین طبقه اجتماعی است (Chapin 1935). در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی شکل نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (Bourdieu 1984, Featherstone 1984, Lash & Urry 1987) در این معنا، سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار‌های (هویت) افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز بروز افزایش می‌یابد (Abazari & Chavoshian 2002). سبک زندگی ناظر به دو چیز است: مردم چه انجام می‌دهند؟ و چگونه انجام می‌دهند؟ این دو پرسش، برای عرصه‌های مختلف زندگی (فردي، خانوادگي، ملي، بين‌المللي و محیط زیستي و همچين همه ابعاد گوناگون عابدي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي، فرهنگي، علمي، حقوقی، بهداشتی، رفاهي، تفريجي، هنري و غيره) کاربرد دارد (Fazeli 2004). از طرفی جامعه روستاوی، جامعه‌ای است که جمعیت کمترین نسبت به شهر دارد، دارای زمین‌های گسترش‌های است و مهمترین فعالیت‌های اقتصادي آن، «تولید مواد غذایي، الیاف و مواد خام» می‌باشد. شهر و روستا دارای تفاوت‌های بسیاری در عرصه اقتصاد و معماری هستند. مهمترین ویژگی روستاهای آنها را از مناطق شهری متمایز می‌سازد، وابستگی شان به طبیعت، آب و خاک است. به گونه‌ای که نظام اجتماعي، اقتصادي و كالبدی آنها در ارتباط با این عوامل شکل گرفته و می‌گيرد (Sartipi Pour 2009). هنر معماری روشنی برای شرافت روحانی دادن به ماده است که بر دو موضوع استوار می‌باشد: ابتدا «فکر یا معنی» و سپس «صورت یا شکل»؛ بدین صورت که توجه به «جهان بیرون»، «فکری» را در هنرمند تولید می‌کند که از آن به عنوان «تأثیر محیط بر فرد (چه انجام می‌دهند؟)» یاد می‌کنیم؛ و سپس هنرمند آن را با «سوابق ذهنی» خود منطبق می‌سازد و با همان «جنبه‌ی فکری خود» تعبیر می‌کند که

که مستقیماً بر معماری تأثیرگذار است. انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی و به خصوص روستاها به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کند (Razjoo et al. 2019). به همین خاطر تبیین و پرداختن به «معماری قانعه» به عنوان یکی از ارکان «خودساختگی جامعه ایرانی» که در قالب هدف‌گذاری برای تمدن اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نیز تبیین شده‌است، مهم و ارزشمند است.

در فرآیند این پژوهش (شکل ۱)، تمرکز ما حرکت از کلیات به منظور رسیدن به جزئیات «فرهنگ قناعت در گیلان» می‌باشد؛ بدین معنی که ما از فرهنگ و تجزیه آن به عناصر سازندهٔ فرهنگ (مانند زبان، سبک زندگی، موسیقی، شعر و غیره) شروع به شناخت کردیم، در بخش دوم به ابعاد فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان به‌طور عام که مستخرج از تحقیقات پژوهشگران قبلی می‌باشد، پرداخته‌ایم و در بخش سوم و پایانی، برای رسیدن به مصداق‌های اثرگذاری این فرهنگ در فضای ساخته شده‌ی معماری، به تحلیل خانه‌ی شکلی میرسیار براساس شاخص‌های قناعت در معماری (برمبانی الگوی نظری که در ادامه بیان می‌نماییم) پرداختیم.

محدوده‌ی پژوهش از نظر بافت اجتماعی و موقعیت مکانی، استان گیلان می‌باشد که خلق و خوی مردمانش متأثر از طبیعت‌اش، صریح و بی‌ریاست. این صراحت نه تنها در گفتار، بلکه در «شیوه زندگی» یک گیلانی نیز دیده می‌شود و معماری بخشی از زندگی است. مردم این سرزمین با رفتار و فرهنگ زندگانی که در طول سالیان رعایت کردن، توانستند تا با حفظ طبیعت موجود و کمترین دخالت در آن، این موهبت الهی را به نسل آینده تحويل دهن؛ اما اتفاق نگران‌کننده‌ای که در دو دهه گذشته با آن در سرزمین گیلان مواجه هستیم، نشان‌دهندهٔ دخالت مردم با فرهنگی کاملاً بیگانه با این سرزمین می‌باشد که نتیجه‌ی آن «صرف‌گرایی»، «تخرب محیط زیست» و «تحمیل فرهنگ غیرخودی» به بستر می‌باشد که بخش قابل توجهی از این امر، ریشه در سبک زندگی عصر حاضر دارد، سبک زندگی‌ای که نوع خاصی از «فرهنگ مصرفی» را عرضه می‌کند. به همین خاطر این نیاز احساس شد که می‌بایست چگونگی تجلی «فرهنگ قناعت» در زندگی و معماری روستایی گیلان در قالب پژوهشی مدون، تحلیل و ارائه گردد تا بدین‌وسیله بتوانیم فرهنگ رفتاری را که موجب شکل‌گیری معماری قانعه در این سرزمین شد را شناسایی نماییم؛ زیرا رفتارهای اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی است.



شکل ۱: فرآیند تحقیق

Fig. 1: Research Process

پیشنهادی او، شاخص‌سازی مفاهیم اخلاقی اسلامی می‌باشد بدین صورت که ابتدا تعریف اسمی مفهوم اخلاقی صورت گیرد و تعاریف موردنظر انتخاب گردند؛ سپس ابعاد معماری مشخص گردند، در مرحله‌ی بعد معیارهای معماری براساس مفهوم اسلامی موردنظر شناسایی شوند، سپس معرفه‌ها تعیین می‌گردند و درنهایت گویه‌ها تعیین شده و مفاهیم، ابعاد، معیارها، معرفه‌ها و گویه‌ها تعیین می‌گردد. شاخص‌های قناعت در معماری، به صورت یک دیاگرام مفهومی در قالب (شکل ۲) معرفی شده است.

در معیارهایی که به «افراد مؤثر» مرتبط است- از آنجا که مفاهیم اخلاقی عمدتاً صفاتی درونی هستند- شناختی و تشخیص این صفات در صورت امکان دسترسی به افراد مؤثر از طریق آزمون‌های مرتبط، شدنی ولی بسیار دشوار است و در صورت عدم دسترسی به ایشان امری محال است. لذا باید تأثیر آن صفات و ویژگی‌های آن مفهوم انتزاعی در «افراد مؤثر» را در «اثر» مشاهده نمود. از طرفی، برخی از معیارها در بُعد «فرآیند معماری» بستگی به اقلیم، زمان، مکان ساخت و سایر شرایط دارند لذا معرفه‌ها می‌باشند به صورت اصول مطرح شوند تا قابلیت کاربرد در شرایط مختلف را داشته باشند (Mahvash & Saedvandi 2018). به همین خاطر، از «شاخص‌های قناعت در معماری» مهوش و سعدوندی برای بخش تطبیقی پژوهش در حوزه‌ی «اثر (محصول معماری)» استفاده شده است.

با توجه به این‌که قصد و نیت نگارندگان بر این موضوع استوار بود که مسیر مقایسه‌تطبیقی «اثر (محصول معماری)» در حوزه‌ی دانش معماری قرار داشته باشد (و نه دانش‌های میان‌رشته‌ای بیرون از معماری) و فهم معماری مورد تحلیل، با خود معماري از طریق سامانه‌های معماري صورت پذیرد، برای تحلیل نمونه‌ی انتخاب‌شده، به منظور ارزیابی «میزان هماهنگی و نظم» در آثار، از چهار سامانه‌ی بنیادی در معماری که از گذشته‌های دور، همواره مطرح بوده است استفاده کردیم که عبارت‌اند از: (۱) سامانه کارکردی، (۲) سامانه سازه‌ای، (۳) سامانه کالبدی، (۴) سامانه انسانی. جزئیات ساختار تحلیل در (شکل ۳) بیان شده است.

۲. سؤال و روش پژوهش

۲-۱. سؤال‌های پژوهش

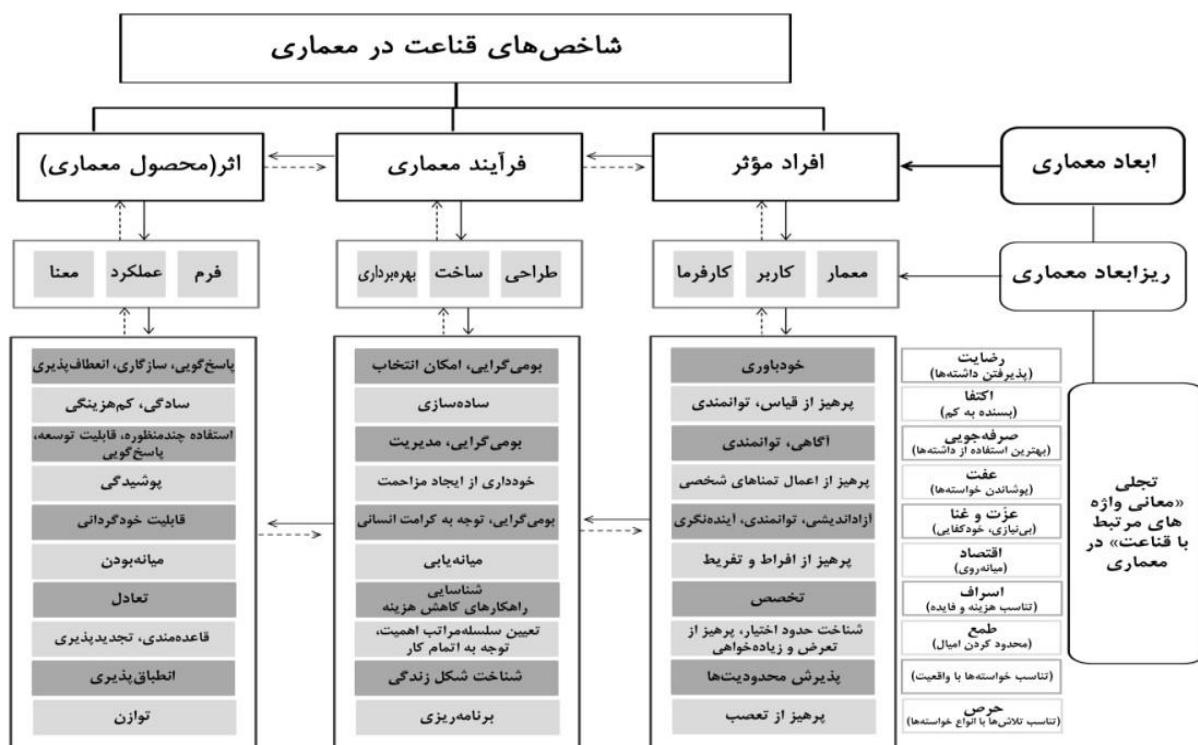
(الف) مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی قانعه‌های در استان گیلان، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف زندگی به چه صورت می‌باشد؟ (ب) معماری بومی چه نقشی در توسعه و ترویج فرهنگ قناعت در استان گیلان ایفا می‌کند؟ (چگونه و از چه طریقی فرهنگ قناعت در معماری بومی استان گیلان متجلی می‌گردد؟) عمدت‌ترین سؤالات پژوهش را شکل می‌دهند. دستاورد مطالعاتی- مفهومی مقاله، تبیین چگونگی تجلی فرهنگ قناعت در الگوهای رفتاری و معماری گیلان می‌باشد.

۲-۲. الگوی نظری و فرآیند انجام پژوهش

در این پژوهش، از روش مطالعه تطبیقی بهره گرفته شده که به مقایسه و تطبیق وجوده اشتراک و اختلاف دو یا چند حوزه مطالعاتی مورد پژوهش می‌بردازد و در این مسیر، به میزان همپوشانی یا تأثیر و تأثیر کالبد از مفاهیم دینی پرداخته می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی- مفهومی در رشته معماری، موجب شکل‌گیری و مفهوم سازی ایده‌ها در ظرفی از زمان و بستر جغرافیایی می‌شوند. به گفته چیپن (Chapin, 1974) در «روش پژوهش مقایسه‌ای»، از طریق «ملک» و «معیار» و برای «مقایسه» دو یا چند چیز در جهت «ارزش‌یابی» آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو، توصیه می‌شود این معیار از «مدل‌های حاصل از جهان‌بینی» به دست آمده باشد؛ در غیر این صورت، مقایسه‌دهی سلیقه فردی خواهد شد (Islami 2014)؛ لذا چارچوب اصلی تحقیق برای بخش تحلیل نمونه مورد پژوهش، بر پایه‌ی نظریات «شاخص سازی قناعت در معماری» محمد مهوش و مهدی سعدوندی بنیان نهاده شده است. از دیدگاه مهوش به این مسئله پرداخته می‌شود که چگونه یک ارزش پذیرفته شده در اسلام (مانند قناعت)، قابل سنجش در معماری خواهد بود تا بتوان وضعیت موجود آن را ارزیابی، آینده‌ی آن را پیش‌بینی و برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی کرد. روش

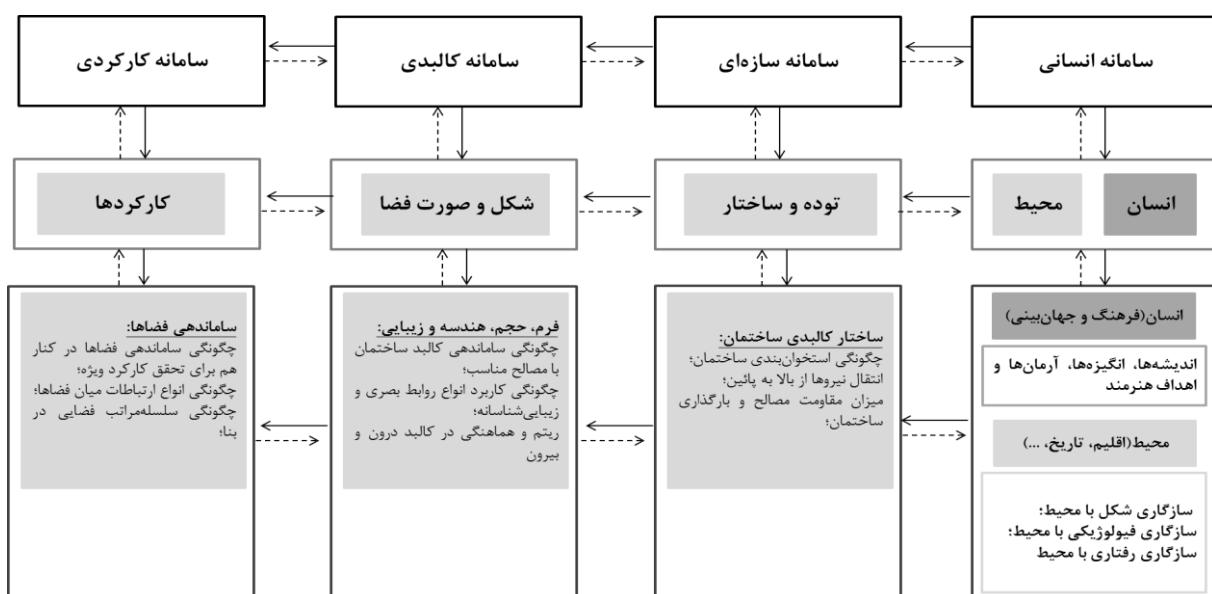
تطبیقی با مفاهیم و ابعاد قناعت قرار می‌گیرد و در بخش دوم، به طور ویژه فرهنگ قناعت را در حوزهٔ معماری بومی گیلان بررسی کردیم و در پایان، نمونه مورد مطالعه (خانهٔ شکلی میرسیار) را مورد تطبیق با شاخص‌های قناعت در معماری قرار دادیم.

در ادامه‌ی پژوهش، بخش مبانی نظری به دو بخش «مفهوم‌یابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه روستایی گیلان» و «بازشناسی تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان» تقسیم می‌شود. در بخش اول، فرهنگ قناعت در جامعه روستایی و عرصه‌های تجلی آن، مورد مطالعه‌ی



شکل ۲: شاخص‌های قناعت در معماری از دیدگاه مهوش و سعدوندی

Fig. 2: Contentment Indicators In Architecture From Mr.Mahvash & Saedvandi Point of View



شکل ۳: ساختار تحلیل نمونه براساس سامانه‌های معماری

Fig. 3: Analysis System of “Behavioral-Spatial Patterns” In Architecture

۳-۲. پیشینهٔ پژوهش

که نیاز به تحقیق و مطالعه در حوزه «قناعت‌پژوهی در معماری» در کاربری‌های متفاوت از خانه و اقلیم‌های دیگر به‌غیراز اقلیم گرم و خشک ایران، احساس می‌شود.

در بررسی و تحلیل مطالعات صورت گرفته در حوزهٔ قناعت‌پژوهی در معماری (جدول ۱)، در بازه زمانی ۱۳۸۱ که تقریباً اولین پایان‌نامه در این حوزه مورد پژوهش قرار گرفت تا سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد

جدول ۱: بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه «قناعت‌پژوهی در معماری» در ایران

Table 1: Review of studies in the field of "contentment in Architecture" in Iran

ردیف	پژوهش (تاریخ)؛ نویسنده	مشخصات پژوهش
۱	شاخص‌سازی مفاهیم اخلاقی در معماری؛ مطالعه‌ی موردنی: قناعت (۱۳۹۷)؛ محمد مهوش	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش ترکیبی (کیفی، کمی و پیمایشی) ب) نتایج: سنجش «معماری قانعه» از طریق تطبیق شاخص‌های قناعت در معماری مانند تطبیق اثر معماری با شکل زندگی کاربران؛ شناخت افراد مؤثر از محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ احترام به طبیعت در فرآیند معماری؛ شناخت معمار از محیط کالبدی، جغرافیایی و اقلیمی؛ پرهیز از تفاخر اقتصادی در اثر و غیره
۲	معماری قانعه (۱۳۸۸)؛ مهدی سعدوندی	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی (دارای مراحل کدگذاری باز، کدگذاری رشته‌ای و کدگذاری انتخابی + نظریه‌ی زمینه‌ای) ب) نتایج: دستیابی به روش پیاده‌سازی مفهوم «قناعت (یک مفهوم ذهنی و انتزاعی)» در «معماری (یک موضوع عینی)»
۳	طراحی مسکن اجتماعی با توجه به اصل قناعت و صرفه‌جویی معماری اسلامی (نمونه‌ی موردنی: محله آبکوه مشهد) (۱۳۹۹)؛ مجتبی ارغوانی طرق‌ری	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: مسئله قناعت و صرفه‌جویی که یکی از اصول در اسلام هست، سبب شده است که به یک پدیده جهانی نزدیک شویم که آن مسئله مسکن اجتماعی است که سال‌های فراوان یک راهکار مناسب برای ایجاد یک مسکن مناسب و ارزان برای انسان‌ها شده است. ج) بستر مورد مطالعه: محله آبکوه مشهد
۴	ارائه الگویی برای کاهش هزینه ساخت مسکن بر مبنای اصل پرهیز از بیهودگی با بازنگری در طراحی معماری-طراحی مجتمع مسکونی واحدی در شهر تهران (۱۳۹۶)؛ شفایق امیرشکاری	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: توجه به ارزش قناعت و تفکر حداقلی در ساخت با حفظ کیفیت و غیره وجود دارند که توجه به آنها در مرحله طراحی می‌تواند باعث کاهش اتلاف مصالح و انرژی و تولید ضایعات در پروسه‌ی ساخت و درنهایت کاهش هزینه تمام شده ساخت شود. ج) بستر مورد مطالعه: تهران
۵	طراحی الگوی خانه براساس روش‌های تربیت دینی (۱۳۹۴)؛ محمد‌مهادی روحی طوفان	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: «تربیت دینی» چیزی نیست که بتوان تأثیر آن را در آدمی نادیده گرفت. اکثر انسان‌ها از سنین کودکی با این تربیت رویرویی می‌شوند. حال «خانه» به عنوان «بستر تربیتی انسان» قطعاً با روش‌های درست تربیت دینی می‌تواند شکل دیگری از مری را از خود نشان دهد. خانه ذاکر باید «شاکر» نیز باشد و نماز شکر بخواند، خانه شاکر باید اسراف نکند پس خانه باید «قانع» باشد و «قناعت» کند، به شکرانه این همه نعمت، «خانه شاکر» باید «خادم» نیز باشد؛ «خدمت به خلق حداوند» را بجا آورد.
۶	قناعت و معماری (نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه) (۱۳۸۱)؛ نسرین سریانی	(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: سه بخش عمده: ۱) دفتر اول: بررسی معنای قناعت از جهات مختلف، ۲) دفتر دوم: خانه قناعتمدانه را با توجه به معنای قناعت، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و غیره موردنبررسی قرار داده و با توجه به نتایج آن اصولی را برای طراحی خانه قناعتمدانه به دست می‌دهد. ۳) دفتر سوم: به بیان اصول طراحی خانه قناعتمدانه و چگونگی تأثیر آن در طراحی می‌پردازد. ج) بستر مورد مطالعه: خانه ستی یزد-اقلیم گرم و خشک.

<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی</p> <p>ب) اهداف: تحلیل نحوه نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی معماری خانه‌های سنتی ایران</p> <p>ج) نتایج: نتایج نشان داد که مفهوم «قناعت» در معماری خانه‌های سنتی ایران در قالب چهار اصل: «پرهیز از بیهودگی، خودبستندگی، اعتدال‌گرایی، رعایت قاعده‌های لاضر و لاضرار» نمود می‌یابد.</p> <p>د) بستر مورد مطالعه: خانه مرتاض پزد - اقلیم گرم‌وحشک.</p>	<p>تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه‌موردی: خانه مرتاض در یزد) (۱۳۹۸)؛ علی‌اکبر حیدری، عیسی قاسمیان</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی (روش معنایشناسی ایزو ۲۱۰۰۰ + پرسشنامه و مصاحبه+ روش دلفی)</p> <p>ب) نتایج: وزیرگی های «افراد مؤثر (معمار، کاربر و کارفرما)» برای پرهیز از طمع و حرص در معماری، «شناخت حمله اختیار، پرهیز از زیاده‌خواهی، پذیرش محدودیت‌ها، پرهیز از تعصب» است. در «فرآیند معماری (طراحی، ساخت و بهره‌برداری)» باید «سلسله‌مراتب اهمیت» تعیین شوند، «شکل زندگی» شناسایی شود و با «برنامه‌ریزی» مناسب، «تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی» و نیز اصل «فن‌پذیری» مدنظر قرار داده شود. در چنین «اثری» (در بخش: فرم، عملکرد، معنا)، چهار وزیرگی عمدۀ «قاعده‌مندی، تجدیدپذیری، انتباق‌پذیری، توازن» قابل شناسایی است.</p>	<p>معرفه‌های قناعت در معماری (در تضاد معنایی قناعت با طمع و حرص) (۱۳۹۸)؛ محمد مهوش، مهدی سعدون‌ندي</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش ترکیبی (روش دلفی+ تحلیل سلسنه‌مراتبی (AHP)+ روش میدانی (پرسشنامه+غیره)</p> <p>ب) نتایج: شاخص‌سازی قناعت نشان داد: در میان ابعاد معماری، افراد مؤثر و در میان افراد مؤثر، معمار پیشترین نقش را در دستیابی به معماری قانعه دارا هستند و پرسش‌های مرتبه با معرفه‌های: تطابق اثر معماري با شکل زندگی کاربران؛ شناخت افراد مؤثر از محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ احترام به طبیعت در فرآیند معماری؛ شناخت معمار از محیط کالبدی، جغرافیایی و اقلیمی و پرهیز از تفاخر اقتصادی در اثر از مهم‌ترین گویه‌ها در تحقق معماری قانعه هستند.</p>	<p>شاخص سازی قناعت در معماری (۱۳۹۷)؛ محمد مهوش، مهدی سعدون‌ندي</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی</p> <p>ب) اهداف: جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع در ساخت خانه</p> <p>ج) نتایج: تحلیل دیدگاه مسرفانه طراحی بناهای مسکونی (طراحی فاز ۱ معماری) بهمنظور ارائه رهنمودهایی جهت طراحی یک خانه با دیدگاه غیرمسرفانه (تهیه برنامه کالبدی دقیق و اعمال دیدگاه غیرمسرفانه در تمام مراحل طراحی).</p>	<p>دیدگاه مسرفانه در طراحی خانه (۱۳۸۸)؛ ناهید صادق‌پی</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی</p> <p>ب) نتایج: «قناعت در مداخله»، هم از انجماد و انزوای بنا جلوگیری می‌کند و هم سنتیت تاریخی بنا و اهمیت معرفی سیر گذر تاریخ بر بنا را محدودش نمی‌کند. در دیدگاه اسلامی، غنای این اصل نه فقط در زندگی روزمره انسان، بلکه در جهانیتی و فعل حاصل از آن نیز مؤثر است و در همه علومی که برای چگونگی به کارگیری فنون خود، نیازمند علوم انسانی نیز هستند قابلیت تعمیم دارد.</p>	<p>قناعت؛ قدر مداخله در بناهای تاریخی معماری اسلامی ایران (۱۳۹۹)؛ سجاد مؤذن</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی</p> <p>ب) نتایج: در معماری سنتی ایران توجه به مسائل «زیست‌محیطی» و «انرژی» همواره وجود داشته است. ضروری است تا اصول معماری استفاده شده در دنیای قدیم را بررسی کرده و سپس آنها را توسط پیشرفت‌های فناوری عصر حاضر با دنیای جدید تطبیق داد.</p> <p>د) بستر مورد مطالعه: گبدهای دوجداره (آشنازی با اصول و سازوکارهای گبدها در رابطه با «انتقال حرارت» و مقایسه آنها از نظر قناعت در انرژی).</p>	<p>تجلي قناعت در انرژی دوستی معماری سنتی ایران (۱۳۹۹)؛ سیما رضائی آشتیانی، جمال الدین مهدی‌نژاد</p>
<p>(الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی</p> <p>ب) نتایج: یکی از ره‌آوردهای مدرنیته رواج «صرف‌گرایی» و «هجرت» ارزش‌هایی نظیر «قناعت» و «صرف‌جویی» از جوامع انسانی بود. در «سازه‌های آبی» معماری بومی نظیر آبانبار، یخچال و قنات، صرف‌جویی در مصرف موردن توجه خاص بوده است. در سبک زندگی بومی که معماری بومی یکی از ثمرات آن است «الگوی مصرف صحیح» مدنظر بوده است و «قناعت و خودبستندگی» از ارزش‌های متعالی این معماری بوده است.</p>	<p>فرهنگ قناعت و صرف‌جویی در معماری بومی ایران با تأکید بر سازه‌های آبی (۱۳۹۵)؛ زهراءحمدی</p>

قرآن، تنها در آیه‌ی ۳۶ سوره حج به صورت اسم فاعل «القانع» آمده است: «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ إِذَا وَجَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُّو مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَ كَذَلِكَ سَخَرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشَكُّرُونَ: وَقَرْبَانِي هَا رَا بِرَاهِي شَمَا ازْ مَرَاسِمْ حَجَ قَرَار دَادِيمْ كَهْ غَذَايَتَانْ نَيْزْ هَسْتَ، نَامْ خَدَا رَا دَرْ آنْ حَالْ كَهْ بَاهْ اِسْتَادَهَانَدْ بَرْ آنَهَا يَادْ كَيْدْ وَچُونْ پَهْلُو بَهْ زَمِينْ نَهَادَنَدْ، ازْ گَوْشَتْشَانْ بَخُورِيدْ وَبَهْ قَانِعْ وَمُعْتَرْ هَمْ بَهْ عَنْوَانْ بَخُورِاكْ بَدَهِيدْ. اِینْ چَنِينْ حَيْوانَاتْ رَا بَهْ خَدِمتْ شَمَا گَرْفَتِيمْ، شَایْد سَپَاسْ دَارِيدْ. عَلَامَهْ مُحَمَّدْ حَسَنْ طَبَاطَبَیَّیْ دَرِبارَهْ كَلْمَهْ «القانع» در این آیه می‌فرماید: «كَلْمَهِي «قانع» به معنای فَقِيرِي است که هر چه به او بدهند، قناعت می‌کند، چه سؤال هم بکند یا نکند؛ و «معتر» فَقِيرِي است که برای سؤال Tabatabaei (2005). در قرآن کریم اگرچه یکبار از قناعت با لفظ مُشتق «قانع» سخن رانده شده است ولی آیات متعددی را می‌توان یافت که به صورت غیرمُستقِيم، اذسان را دعوت به قناعت کرده است: «دعوت به پرهیز از اسراف، تبذیر و اسراف، تأکید بر حفظ عزت انسان مؤمن، دعوت به حیات طبیه و گفتگو از صفات متقین» از جمله آیاتی است که می‌توان یکی از نقاط مورد تأکید آن را قناعت بر شمرد (Shafiean 2016). در بررسی واژه‌ی قناعت در روایات، امام صادق(ع) قناعت را «نشان از محبت خداوند به بندهاش» می‌داند که «فهم بصیرانه دین» را به او اعطا می‌نماید: «چون خداوند، بندهای را دوست بدارد، شوق عبادت در دل او می‌افکند و قناعت را پیشه‌ی او می‌سازد و او را به فهم بصیرانه‌ی دین موفق می‌دارد و به دل او با «یقین» نیرو می‌بخشد. چنین انسانی به «کفاف» بسنده می‌کند و در جامه «عفاف» می‌خرامد (Majlesi, 2007) و حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: «آگاه باشید که برای هر کس، روزی است که به ناچار به او می‌رسد؛ پس اگر کسی به آن راضی باشد، مایه‌ی برکت او شده و نیازهایش را فرامی‌گیرد و کسی که به آن راضی نباشد، مایه‌ی برکت او نشده و نیازهایش را فرامی‌گیرد (Boroujerdi, 2007).

براساس مرور پیشینه مطالعات صورت گرفته توسط صاحب‌نظران و محققین ایرانی در حوزه‌ی قناعت‌پژوهی در معماری، به این نتیجه می‌رسیم که تمامی مطالعات صورت گرفته در این حوزه، در انتخاب «بِسْتَر و زَمِينَه مُورَد مَطَالِعَه» به بخش‌های مرکزی ایران که دارای اقلیم گرم‌وخشک می‌باشد، پرداخته‌اند. لذا نوآوری تحقیق پیش رو، در «نمونه مورَد مَطَالِعَه» می‌باشد که براساس پیشینه تحقیق به دست آمده (که اغلب مطالعات در حوزه قناعت و شاخه‌های اخلاقی در مورد خانه مناطق کویری مورَد مطالعه قرار گرفته بود)، برای اولین بار «معماری خانه» در منطقه‌ی پُرنعمت و سرشار از مواهب طبیعی استان گیلان از نظر «قناعت و شاخه‌های آن» مورَد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳. بُدنَهْ پژوهش

۱-۳. مفهوم یابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه روستایی گیلان

۱-۱-۳. «فرهنگ قناعت» در سبک زندگی اسلامی «قناعت» به عنوان یک مفهوم عرفانی بر «اکتفا نمودن سالک بر ماحصل رزق و روزی خویش» دلالت دارد. این فضیلت عرفانی معمولاً در برابر «حرص، طمع، اسراف و زیاده‌روی» مطرح می‌شود. باطن و نتیجه‌ی «قناعت‌ورزی»، «ر سیدن به استغنا و بی‌نیازی» است (Ebrahimi 2019). در بینش قرآنی و در مکتب پیشوایان دینی، «قناعت» مکرمتی است ارزشمند که موجب توانگری و رستن از مذلت می‌گردد زیرا رفتار انسان قانع به گونه‌ای است که اساس زندگی خود را بر «میانه‌روی» بینان می‌نهاد و مفهوم ستگ «خودبستندگی» را با دل و جان می‌پذیرد. «قناعت» در فرهنگ اسلام، گوشه‌گیری و خودداری از سعی و عمل نیست بلکه مراد از آن، «وارسته‌زیستن» و «استغنا در برابر مادیات» است و آن کس که زیون طمع و نیازمندی‌ها باشد، به آسانی ذلیل می‌گردد (Ebrahimi & Torabi 2016). برای بررسی نقش فرهنگی قناعت در توسعه خصائص اخلاقی، ضروری است به تعریف «قناعت» و بیان جایگاه آن در سبک زندگی قرآنی و بعد آن نیز اشاره مختصری داشته باشیم. واژه‌ی قناعت در

است، دوست داشته باشید یعنی «تجھیل»؛ پاداش و جزای چیزها، در همان وجود آن‌هاست». برای فهم کامل و جامع‌تر از واژه‌ی قناعت، به بررسی و تحلیل این واژه در کتاب‌های اخلاق علمای اسلامی در قالب (جدول ۲) می‌پردازیم.

که چیزی را نداری، داشته باشی یعنی یک چیز دیگر، یک جای دیگر؛ بلکه سعادت این است که آن چیزی را که داری، دوست داشته باشید نه آنچه را که «دوست‌داشتنی» است، دوست داشته باشید؛ آنچه را که «دوست‌داشتنی»

جدول ۲: جستجوی مفهوم «قناعت» در کتب اخلاق و عرفان اسلامی

Table 2: Searching for The concept of "Contentment" In The Book's of Islamic Ethics and Mysticism

کتاب (نگارنده)	تعريف
معانی الاخبار (محمد بن علی ابن بابویه) (شیخ صدوق)	صفت قناعت به عنوان هدیه‌ای از ناحیه‌ی خداوند متعال به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نامبرده شده است، به گونه‌ای که این هدیه به هیچ‌یک از پیامبران گذشته اعطانشده بود (Ibn Babouyeh 1998).
معراج السعاده (احمد بن محمد نراقی)	ضد صفت حرص، ملکه‌ی قناعت است و آن حالتی است از برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی است به قدر حاجت و ضرورت؛ و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال و این از جمله صفات فاضله و اخلاق حسن است. همه فضائل به آن منوط، بلکه راحت در دنیا و آخرت به آن مربوط است؛ و صفت قناعت، مرکبی است که آدمی را به مقصد می‌رساند و وسیله‌ای است که سعادت ابدی را به جانب آدمی می‌کشاند، زیرا که هر که به قدر ضرورت قناعت نمود و دل را مشغول قدر زائد نکرد، همیشه فارغ‌البال و مطمئن خاطر است و حواس او جمع و تحصیل آخرت بر او سهل و آسان می‌گردد؛ و هر که از این صفت محروم و آلوهی حرص و طمع و طول امل گشت، به دنیا فرو می‌رود و خاطر او پریشان و کار او متفرق می‌گردد (Naraghi 2015).
اخلاق ناصری (محمد بن حسن طوسی)	قناعت آن بود که نفس آسان فراگیرد امور ماکول (خوردنی‌ها) و مشارب (نوشیدنی‌ها) و ملابس (پوشیدنی‌ها) و غیر آن، رضا دهد به آنچه سد خلل کند از هر جنسی که اتفاق بیفت (Tusi 1999).
احیاء علوم الدین (محمد غزالی)	به مقدار ضرورت از غذا و لباس قناعت کند و از نظر مقدار، به کمتر و از نظر نوع، به پایین‌تر اکتفا نماید و آرزویش را متوجه همان روز یا همان ماه کند و دلش را مشغول ماههای دیگر ننماید (Ghazali, Vol.3, 2014).
ارشاد القلوب (حسن بن محمد دیلمی)	قناعت، از جمله صفات فاضله و اخلاق حسن است و توأم با راحتی است چنان‌که مرویست در تفسیر آیه‌ی شریفه «فَلَنْجِيْنَه حَيَّاه طَيِّبَه زَنْدَه مَيْغَرَدَنِيم او را به زندگانی خوش و سعادت» که مراد، قناعت کردن شخص است و قناعت قرار نمی‌گیرد مگر بر دل کسی که خود را از غم دنیا فارغ ساخته باشد و به قناعت خوشنود بودن، مرحله‌ی اول زهد است؛ و حقیقت قناعت آن است که آدمی خود را از متشبهات دور بدارد و به اندکی از دنیا راضی باشد که حرص بر جمع آوری اموال نداشته باشد و مهموم و مغموم نباشد بر آنچه از دست او رفته از اموال (Daylami, Vol.2, 1970).
المقامات عليه في موجبات السعادة الأبدية (شیخ عباس قمی)	و ضد حرص، قناعت است و آن ملکه‌ای است که باعث می‌شود بر اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال و این صفت از جمله‌ی اخلاقی حسن است و همه‌ی فضایل به آن منوط، بلکه راحت دنیا و آخرت به آن مربوط است و قانع، غنی مردم است (Qomi 2019).
تهذیب الأخلاق (ابن مسکویه)	قناعت به نوعی صرف نظر کردن از تمام امور نفسانی است. به کسی قانع گویند که به روزی خود قانع گردد و به غنای لذیذ یا لباس جميل و یا منزل عالی، چشم نداشته باشد و انسان خردمند از ابتدا قناعت می‌نماید و در امور معاش به اقتصاد و میانه‌روی رفتار می‌کند (Ibn Maskuyeh 2015).
صبح الهدایه و مفتاح الکفایه (عزالدین کاشانی)	قناعت عبارت است از وقوف نفس بر حدّ قلت و کفايت و قطع طمع از طلب کثرت و زیادت؛ و هر نفسی که بدین صفت متصف شد و بدین حُلق، متخلق گشت، خیر دنیا و آخرت و گنج غنا و فراغت بدو مسلم داشتند و راحت ابدی و عز سرمدی نصیب او گردانیدند (Kashani 2014).
تفسیر نمونه (ناصر مکارم شیرازی)	نتیجه‌ی این عمل صالح مولود ایمان در این جهان (قناعت)، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای آرمانی (Makarem Shirazi 1995).

مسائل است. رابطه قناعت و سبک زندگی از دو دیدگاه قابل بررسی و حائز اهمیت است: اول این که قناعت را صفتی بدانیم که مانند دیگر فضیلت‌های اخلاقی، اکته سایی است و به طور طبیعی نیازمند تکرار و تمرین است تا به تدریج به صورت یک باور در درون انسان ثبت و استوار گردد (Naraghi 2015). دوم این که قناعت را به عنوان مجموعه‌ای از عوامل که در فرآیند زندگی، براثر تحمیل شرایط سخت جغرافیایی - اقلیمی شکل گرفته و محصول «بسیار زندگی» تلقی می‌شود، بدانیم نه خود «سبک زندگی»؛ تا بدین طریق بتواند آرزوها و خواسته‌هایش را مطابق با واقعیات زندگی اش شکل دهد. در حالت اول، قناعت محصول سبک زندگی تلقی می‌شود که ریشه در سنت‌های یک جامعه دارد و می‌توان آن را «فرهنگ قناعت» مردمان آن جامعه تعبیر نمود؛ در این حالت، قناعت به صورت مجموعه‌ای از استانداردهایی در می‌آید که رفتاری را شکل می‌دهد که سرچشمه‌ی آنها در حس مشترک مردم است و از طرف کلیه اعضای جامعه، مناسب و قابل قبول است؛ اما در حالت دوم، قناعت محصول بستر زندگی است که ریشه در شرایط سخت جغرافیایی - اقلیمی تحیل شده به فرد، دارد که می‌توان آن را «زندگی قانعه» به عنوان شیوه‌ای از زندگی تعبیر نمود که در آن فرد به منظور تنظیم خواسته‌ها و آرزوها با شرایط محیطی که تحمیل می‌شود، اقدامات اخلاقی فرصت‌ساز و درون‌زا را انجام می‌دهد. بر این اساس قناعت با مفهوم وسیع‌تر، بعد اخلاقی سبک زندگی اسلامی شناخته می‌شود.

۳-۱-۲. تجلی مظاهر قناعت در سبک زندگی روستایی گیلان

در فرهنگ روسه‌تایی، هنر در همه‌ی ابعاد زندگی هویدا است. ویژگی‌های هنر از موسيقی، نقاشی گرفته تا رقص و آواز و هنر‌های دینی بومی، همگی برگرفته از تنوع طبیعی و گوناگونی فرهنگی است. سادگی و تنوع رنگی، بهره‌گیری از عناصر مادی به ویژه خورشید در

در ادبیات فارسی نیز به تأثیر از آموزه‌های قرآن کریم، قناعت همواره در مفهوم «اسراف‌نکردن» و «میانه‌روی در مصرف» به کاررفته است و بسیاری از شعراء و نویسنده‌گان ایرانی، آثار ارزشمندی پیرامون «قناعت» خلق کرده‌اند: حافظ در غزل شماره ۱۵۱ می‌فرماید: «چو حافظ در قناعت کوش و ز دنیا دون بگذر / که یک جو منت دو نان، صد من زر، نمی‌ارزد (Hafez Shirazi 2017)» و همچنین سعدی «قناعت خداوند» دانسته و «توانگری» را از بالارزش‌ترین ثمرات قناعت در کتاب «بوستان» برمی‌شمارد (Ebrahimi & Torabi 2016): «خدا را ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد؛ قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را (Saadi 2005)» و در جای دیگری می‌گوید: «قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را؛ قناعت کن ای نفس بر اندرکی / که سلطان و درویش بینی یکی؛ چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی / چرا ریزی از بهر برف آبروی (Saadi 2012)». جناب مولا نا نیز به تأسی از فرمایش حضرت رسول(ص)، می‌گوید: «گفت پیغمبر قناعت چیست؟ گنج / گنج را تو وا نمی‌دانی ز رنج؛ این قناعت نیست جز گنج روان / تو مزن لاف ای غم و رنج روان (Rumi 2009)». از شاعران معاصر نیز، شهریار چنین گفته: «تشنه جوی کریمان نشوی که قناعت همه دریا باشد / مرد را پای قناعت به زمین، سر همت به ثریا باشد (Shahriyar 2015)». به تعبیر بسیاری از مفسران و علمای علم اخلاق اسلامی، زندگی گوارا و «حیات طیبه» در گرو «قناعت و رزی» است. به منظور تبیین رابطه‌ی بین «قناعت» و «سبک زندگی قرآنی»، از حضرت علی(ع) تفسیر آیه‌ی «فلنجینه حیاتا طیبه» را پر سیدند و ایشان در پا سخ فرمود: «حیات طیبه، قناعت است». قناعت دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، علمی- فنی و هنری است و سبک زندگی قرآنی نیز شیوه‌ی قومی، آئینی، سنتی، فرهنگی معیشت مؤمنین را شامل می‌شود که در آن خداوند قاضی و قانون‌گذار تمامی

داشت (Azad Armaki et al. 2014). در تقدیرگرایی غالباً موقعيت و شکست افراد به بخت و اقبال نسبت داده می‌شود (Mousavi Bazargan 2007). همین نگرش موجب دنیاگریزی و سازگاری نسبت به وضع موجود در فرد می‌گردد. به گونه‌ای که این باورها در اشعار و ادبیات عامه مردم گیلک نیز بازتاب پیدا کرده است، به عنوان مثال: ۱) «پور اگه ټبون کمه جی بساز، شادی نيون غمه جی بساز؛ ۲) «کار خس خودش جور دربیی: کار باید خودش جور در بیاید»؛ ۳) «هر چی آسمونه بواره، وَه زمین طاقت میاره: هر چه از آسمان بباره، باید زمین طاقت بیاورد»؛ ۴) «خواب دُبو سر بالش نخای، وشنا شکم قاتوک: کسی که خواب در سرشن است، بالش نمی‌خواهد و کسی که شکمش گرسنه است، خورشت نمی‌خواهد»؛ ۵) «ای اقبال، ای اقبال، تو پیش دری مو دومبال، تو کم زنی مو غربال: ای بخت، ای بخت، تو پیش هستی و من به دنبال تو، غربال سوراخ درشت می‌زنی و من الک ریز(شکوه از این که گلیم بخت من سیاه است)»؛ ۶) «تا داریم هام زنیم، نداریم تام: تا خوردنی داریم، حمله می‌کنیم و می‌خوریم؛ نداشته باشیم، دم فرو می‌بندیم» (Nazari Moghaddam 2022). مرور ضربالمثل‌های قبل، نشان می‌دهد «زبان» در فرهنگ روستایی گیلان به طورکلی به هویت‌های قومی ساکنان آنها مربوط می‌شود و ریشه‌ی سنت‌ها در گیلان با دوام و استمرار آنها متکی بر رعایت جنبه‌های مذهبی آن است و ماندگاری آنها نیز از همین اصل پیروی می‌کند و متناسب با سنت‌ها، اخلاق توسعه‌ای خاص را طلب می‌کند (Askari Khaneghah et al. 2020).

۱-۲-۳. شعر و موسیقی محلی

حوزه‌ی بعدی را که مورد کندو کاو قرار می‌دهیم، تجلی مفهوم قناعت در شعر و موسیقی گیلان است. یکی از ویژگی‌های بارز شعر روستایی، بیان مکنونات قلبی با سادگی تمام و آن پاک‌دلی روستایی است که آنچه را که

معماری و هنر روستایی، بیشترین کاربرد را دارد و وابستگی عمیق به مبانی مذهبی از ویژگی‌های هنر در فرهنگ روستایی است. در سنت‌های گیلانی، روستاییان بر معرفی، اشتهاار و بهره‌گیری از قدرت رقابت حذفی (پلاچ) و نیز مشارکت انتظار مدارانه (در قبال کمک در زمان مناسب، حداقل به همان اندازه کمک دریافت می‌کنند) و با نام و نشان‌گذاری جایگاه ویژه‌ای دارد (Askari Khaneghah et al. 2020). اخلاق معیشت در جامعه روستایی گیلان نیز بر اصولی همچون «عقلانی شدن هزینه و درآمد، انصباط اخلاقی، ارزشمندی کار، افزایش سطح مشارکت و پرهیز از مصرف بی‌رویه» استوار است. در ادامه به تجلیات فرهنگ قناعت در جامعه گیلان در حوزه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. ضربالمثل‌ها

فرهنگ و زبان، رابطه‌ی عمیقی باهم دارند؛ زبان چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری و چه تصویری، بهتر از هر عنصر دیگر می‌تواند منش‌ها و فرهنگ‌ها را در خود بازتاباند (Farhadi 2018). گیبس (Gibbs 1996) می‌گوید: «ضربالمثل‌ها، عبارات و جمله‌های آشکار ثابتی هستند که حقایق شناخته شده و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی را بازگو می‌کنند». وی ضربالمثل‌ها را از آن جهت جالب می‌داند که مربوط به زبان استعاری و مجازی هستند. به عقیده‌ی کتز (Katz 1999)، ضربالمثل‌ها فقط عباراتی مرده با ریشه‌ی تاریخی نیستند بلکه طی فرآیندی زنده، فعال و اغلب فراگیر شکل می‌گیرند. آنها از نظر نحوی تغییرپذیرند؛ ممکن است هم معنی آنها تولید شود یا در موقعیت‌های جدید، ضربالمثل‌های جدید خلق شود (Roshan et al. 2014). از این‌رو، به تجلی مفهوم قناعت به معنای «تقدیرگرایی و سازگاری نسبت به وضع موجود»، در سبک زندگی مردم گیلان می‌پردازیم. نگرش مشبت به تقدیرگرایی درواقع یعنی اعتقاد به این که هر آنچه شایسته بوده و از ازل مقدر شده است، برای افراد محقق شده و نباید نارضایتی و گله‌ای از وضع موجود

شده است، خود را نشان می‌دهد». ترانه‌های موسیقی گیلان در مجموع «یک خطی، عاطفی و پُر بار» است و در اثر گذشت زمان کهن‌ه و خسته‌گننده نمی‌شود. «آواهای بومی» هم همین طور است، خود مردم در فضا و دوران دیگری این ترانه‌ها را دم گرفته و خوانده و خود به خود آنها را کامل کرده‌اند. در مجموع می‌توان این طور بیان نمود که شعر و موسیقی محلی به دلیل «بیان صریح و بدون واسطه با مخاطبان خود (Nami 2008)»، انتقال پیام‌ها و آرمان‌های ذهنی و عواطف و احساسات هنرمند را به دیگران آسان‌تر می‌سازد؛ درحالی‌که در «معماری، پیام ذهنی هنرمند باید در قالب واسطه‌ای به نام ساختمان، به دیگران انتقال یابد اما از آنجا که «رابطه‌های شکلی» و «رابطه‌های معنی» میان موسیقی و معماری وجود دارد (Malek Aslanian 2008)؛ در (جدول ۳) به طور تفصیلی سعی شده است تا یکی از ترانه‌های فولکلور بنام «ایجور که زندگی نیه» از آلبوم «تازه بهار» فریدون پور‌رضا را که به «مفهوم پردازی قناعت (خودبستندگی)» در زندگی روستایی مردمان گیلان پرداخته است، با توجه به «شاخص‌های قناعت در هنر» تحلیل نمائیم.

همان‌طور که در تحلیل موسیقی بومی در جدول ۳ مشاهده کردیم، «بعد اقتصادی» زندگی قناعتماندانه بیشترین مفهوم پردازی را به وسیله هنرمند بومی به خود اختصاص می‌دهد زیرا ظرف تحقق «حیات طیبه» در زندگی این جهانی، یعنی این که «فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد» زیرا «قناعت» هم باعث «افزایش مال» و «بی‌نیازی» و هم باعث «صفای باطن» و «درک معنویت» می‌شود، علاوه بر اینها باعث «مناعت طبع» و «حفظ کرامت انسانی» می‌شود. رواج قناعت در جامعه باعث «افزایش عرضه» و «کاهش تقاضا» می‌گردد. «انسان قانع»، نفس خویش را به «ساده‌زیستی» عادت می‌دهد؛ درنتیجه از زندگی ساده‌ی خود همان لذتی را می‌برد که ممکن است رفاه‌طلبان با هزینه‌ی زیاد نبرند.

می‌اندیشد، بدون پرده‌پوشی و توجه به عواقب آن، بیان می‌کنند. در شعر گیلک نیز گاهی کنایه‌های لطیف و زیبا وجود دارد که بعضی از آنها، خاص شعر گیل است: «گل متحمل نزن پا به دریا / نخور غصه برای مال دنیا؛ نخور غصه که مردم مال دارن / چراغ کس نسوته تا به فردا»؛ شاهد در مصراع چهارم و کنایه از این‌که هیچ‌کس پایدار نیست. در ساختار معنوی دوبیتی نکات بدیعی وجود دارد که توجه به آنها دارای اهمیت است: مصراع اول دوبیتی روس-تاپی از نظر موضوع ربط چندانی به مصراع‌های دیگر ندارد و برای مقدمه‌چینی قرینه‌سازی آورده می‌شود و در مصراع دوم مقصود اصلی بیان می‌شود. در مصراع سوم همان مضمون برای تأکید تکرار می‌شود و جان کلام و حاصل پیام، در مصراع چهارم است. دوبیتی‌ها و ترانه‌های روستایی پیوند تنگاتنگی با موسیقی دارند به طوری‌که راوی بدون زمزمه نمی‌تواند آن را به یاد آورد. در اصل، این ترانه‌ها براثر زمزمه‌ی کشاورزان، چوپانان، صیادان در دشت و کوه و صحرا و کنار رودها و دریاها شکل گرفته‌اند؛ یعنی این عزیزان پاکدل، هنگام کار و کوشش هرگاه احساسات و هوای خاص خود زمزمه‌هایی می‌کردنند که سبب پیدایش این دوبیتی‌ها شد. باقی ماندن این دوبیتی‌ها و نقل سینه به سینه آن، دلیل دیگر ربط آن با موسیقی است زیرا در محیط کار یا خانه، در گوش دیگران زمزمه می‌شده و با تکرار آن در ذهن آنها نقش بسته و مانده است (Parchami 1992). «آواهای بومی گیلان» هر کدام سرنوشتی خاص دارند و به «منا سبت خاصی» ساخته شده‌اند. گاه شامل ترانه‌های «غمگینانه، عاشقانه، حماسی و فصلی» است که برخی از آنها در نکوهش افرادی است که در روستا ظلم و بدکاری کردن و برخی دیگر در سنتایش از افرادی است که مورد توجه مردم بودند. به قول فریدون پور‌رضا: «ترانه فولکلور، مثل شیر محلی است که اگر آب در آن بریزی، خودش را از آب کنار می‌کشد؛ بدین معنی که آنچه بر این ترانه‌ها افزوده و بار

جدول ۳: مقایسه «مفهوم‌پردازی قناعت» در موسیقی محلی گیلان با استفاده از «شاخص‌های قناعت در هنر»

Table 3: Comparison of "Conceptualization of Contentment" In Guilan Folk Music Using "Indices of Contentment In Art"

بعد قناعت (شاخص)	مفهوم‌پردازی	شعر	
		معنی	
بعد اجتماعی (بی‌اعتنایی به نیازهای کاذب)	کنایه از «از خود بیگانگی با محیط و بستر (به عنوان یک رستایی، رفتار شهری‌ها را انجام دادن)» (میانه‌روی و پذیرفتن داشته‌ها)	تومون لیگه جوره گیتن / چلار دوش سرَّن به عنوان یک رستایی پاچه شلوار را می‌دهی بالا و راه می‌روی تا گلی نشود / در حالی که شلوارت گلی بشود، آن را عوض می‌کنی و می‌گذاری روی تلاز (چلار)	
بعد اقتصادی (دوم و ماندگاری)	دعوت به فرهنگ زندگی رستایی که پشتونه امنیت اقتصادی و اجتماعی «خانواده» می‌باشد (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)	پا برنده چل دکتن / سه چار ته زکه نون دن در صورتی که باید پابرهنه بیفتی تو گل و لای (منظر زمین‌های خاکی رستایی است که در گیلان به دلیل بارش، در اکثر ایام سال به صورت گل‌ولای می‌باشد) / تان و روزی به دست بیاوری و سه چهار تا پچه را بزرگ کنی (سه چهار بجه هم اشاره به «تفی تک فرزندی» در فرهنگ رستایی گیلان دارد؛ چون جامعه رستایی اعتقاد داشتند که هر چه تعداد فرزندانشان بیشتر باشد، در کارهای اقتصادی می‌توانند کمک حال خانواده باشند)	
بعد اقتصادی (کم‌هزینگی)	کنایه از «وابستگی به بیگانه» و «تبیلی و کار نکردن» (عدم تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	این و اوئه قرض هگیتن / ده شهی پول کار نکن دانماً از هر کسی قرض و پول دستی می‌گیری / در حالی که ده شاهی هم کار نمی‌کنی، به همین خاطر برای گذران زندگی، مجبور هستی با قرض گرفتن امورات را بگذرانی	
بعد اجتماعی (حفظ شان ساکنین)	کنایه از ناسپاسی و قدرناشناستی نسبت به اصالت و هویت منطقه‌ای (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	گیله‌مرد نُم وین / بندوم خو نوم سر زن حال اسم «گیله‌مرد۱» را هم روی خودت گذاشتی و این لقب را یدک می‌کشی	
بعد اجتماعی - هنری (سودمندی - هویت)	اشاره به انتخاب «سبک زندگی» نادرست با توجه به فرهنگ خودی (سازگاری)	ایجور که زندگی نیه / خدا را بندگی نیه این «سبک زندگی» که درست نیست / و راه و رسم بندگی کردن خداوند نمی‌باشد	
بعد اقتصادی - اجتماعی (مطلوبیت - حفظ شان)	دعوت به کار و تلاش (پذیرفتن داشته‌ها)	گیله‌مرد دست‌وپا وا قشنگ پل بکنی / روخونه زندگ آوه کارجی تیل بکنی دست و پاهای یک «گیله‌مرد» باید از کار و تلاش زیاد پیله بیندد / به گونه‌ای که وقتی برای شستن آنها به رودخانه رفت، آب زلال و شفاف رودخانه را گل‌آلود کند	
بعد اقتصادی (دوم و ماندگاری)	اشاره به «خوب‌بستنگی زندگی رستایی» و عدم نیاز به بازار	آخ ته چی سر بکاره بیشی سبزی بهینی / تو و هر چن ما به سر بازاره رنگه ندینی آخر تو را چه به این که بروی بازار برای خرید سبزیجات و صیغه‌جات / تو باید چند ماه به چند ماه، رنگ بازار را نینی (درواقع تو خودت کشاورز هستی، تو که نباید برای خرید محصول به بازار مراجعه کنی؛ باید خودت بکاری و دسترنجات را مصرف بکنی. خودت نیاز روزانه‌ات را تأمین بکنی)	
بعد فنی - علمی (بهره‌برداری از امکانات محیطی)	توجه به داشته‌ها و امکانات (بهترین استفاده از داشته‌ها)	تو کی زور و بازو و زمین داری / چرا بامول آیی تی دست نکری تو که جوان و نیرومند هستی (зор و زمین داری) / چرا کاری که از دست بر می‌آید، انجام نمی‌دهی و کشت و کار نمی‌کنی	
بعد اجتماعی - اقتصادی (بی‌اعتنایی به نیاز کاذب - کم‌هزینگی)	اشاره به تقابل «راحت طلبی» با «خوب‌بستنگی اقتصادی (قناعت)» (پوشاندن خواسته‌ها)	اگه سیر و پیاز و پاموده ره پول ندی / ایزیلی جان تیشه کرمعلی زحمت بدی مشت کرمعلی، اگر یک ذره جان عزیزت را به زحمت بیاندازی / نیازی نیست برای سیر و پیاز و گوجه‌فرنگی (محصولات کشاورزی)، پولی را پرداخت کنی	
بعد اقتصادی - اجتماعی (مطلوبیت - حفظ شان)	دعوت به کار و تلاش (پذیرفتن داشته‌ها)	گیله‌مرد دست و پا، وا قشنگ پل بکنی / روخونه زنگ آوه کارجی تیل بکنی دست و پاهای یک «گیله‌مرد» باید از کار و تلاش زیاد پیله بیندد / به گونه‌ای که وقتی برای شستن آنها به رودخانه رفت، آب زلال و شفاف رودخانه را گل‌آلود کند	

بعد اجتماعی - هنری (سودمندی - هویت)	اشاره به انتخاب «سبک زندگی» نادرست با توجه به فرهنگ خودی	ایجور که زندگی نیه / خدا را بندگی نیه
---	--	---------------------------------------

معماری و فناوری شغل و حرفه او نیست ولی با رجوع به خرد جمعی می‌تواند برای خودش خانه بسازد. در بسیاری موارد، تمام خانواده با هم خانه می‌سازند. از این دید، تشریک مساعی فکری و عملی در خانواده‌ی روستایی برای ساخت خانه یعنی تمرين درس هستی شناسی، زیرا معماری بعد هستی شناسی دارد؛ بنابراین همه خانواده و حتی فرزندان خردسال در این تمرين شرکت می‌کنند. او در این تمرين با احساس، ذوق، هنر، عناصر و نیروهای طبیعت آشنا می‌شود. از این‌رو، خانه‌سازی در جامعه روستایی، کارگاه شناخت شناصی هستی است و انسان روستایی در طول زندگی خود، حداقل یک بار این کارگاه را تجربه می‌کند. ره‌آوردهای این کارگاه، شناختی است که او نسبت به جهان و زندگی توانمند می‌کند. این رمز رازآموزی انسان روستایی از معماری است؛ او بدین طریق نیروهای طبیعت را می‌شناسد و دوستی و همیستی مساملت‌آمیز با طبیعت را می‌آموزد و خود را موجودی از طبیعت خداوند می‌شناسد (Akrami 2010). خانه روستایی به کمک انسان روستایی و به صورت فطری ساخته شده، فضایی است که سازنده در آن حضور همه جانبه داشته و این حضور سبب شده که خانه روستایی بتواند نهادی شود که شکل مشترکی از بودن را به نمایش می‌گذارد (Najafi & Alalhesabi 2022).

مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت دامداری و کشاورزی) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته است و محل سکونت افرادی است که به «فعالیت‌های تولیدی» اشتغال دارد (Sartipi Pour 2011). برای فهم بهتر از رابطه‌ی «قناعت» و «معماری روستایی»، در بخش بعد به تجلی ابعاد «فرهنگ قناعت» در معماری بومی گیلان پرداخته می‌شود تا به درک دقیق‌تری از موضوع دست پیدا

۲-۳. بازشناسی تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

۲-۳-۱. ارتباط بین قناعت و معماری روستایی

معماری روستا نیز با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر رسید. معماری خانه‌ی روستایی ساده و بسیار آرام است اما در کمال بی‌پیرایگی بسیار پیچیده است. پیچیدگی معماری روستایی متظاهر نیست بلکه آنچه که ظاهر می‌کند سادگی و آرامش است (Akrami 2010). در این زمینه، در حوزه‌ی ارتباط بین «مسکن» و «قناعت»، امام صادق(ع) می‌فرمایند: «كُلُّ بَنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ» علی صاحب‌یه يوم القيمة: هر ساختمان و خانه‌ای که بیش از مقدار کفاف و نیاز انسان باشد، روز قیامت و بال گردن صاحب‌ش می‌شود (Al-Hurr al-Amili, Vol.5, 1842).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «كُلُّ بَنَاءٍ وَبَالٌ علی صاحبِ الـ ما قَلَّ وَ كَفَى: هر بنای و بال گردن صاحب‌ش می‌شود (Koleini 2004). پس انسان باید در تهیه خانه و سایر لوازم زندگی، به مقدار نیاز و کفاف اقدام کند و بیش از آن به طور معمول برای انسان دلیستگی به دنیا می‌آورد و به همان میزان، از آخرت خود باز می‌مانند. البته مقدار نیاز و کفاف افراد بحسب تعداد افراد، محیط معیشتی و موقعیت اجتماعی افراد تفاوت می‌کند (Dehghani 2018)؛ به عبارت دیگر، معماری و شهر اسلامی به آرامی سر از خاک بر می‌آورد؛ از منابع طبیعت حداکثر استفاده را می‌برد و وقتی خالی از سکنه شد، بار دیگر به آرامی به آغوش خاک بر می‌گردد (Nasr 2010)؛ معماری روستایی نیز، در واقع یک نوع معماری عامیانه، خودجوش، بدیهه‌ساز و وفادار به طبیعت می‌باشد که عناصر و اجزای کارکردی و کالبدی آن، متأثر از طبیعت، اقتصاد و معیشت روستاییان می‌باشد که اقتصاد معیشتی، معماری روستایی را غنی می‌ساخته است (Haji Ebrahim Zargar 2006). انسان روستایی ضمن این که هنرمند است، فناور هم هست؛

سیالیتی خاص بخشیده است. محورهای اصلی در خانه‌های روستایی گیلان که سلسله‌مراتب فضایی را معین می‌کنند از پایین به بالا، از بیرون به درون و از جلو به پشت بناسرت. «محور جلو به پشت»، برای تفکیک فضاهای تمیز و کثیف به کار می‌رود. این تقسیم‌بندی هم در سایت و هم در بنا رعایت می‌شود. حیاط هر خانه سلسله‌مراتبی دارد که براساس شغل صاحب خانه فرق می‌کند. سلسله‌مراتب در خانه‌های این منطقه تابع دو الگوی کلی خانه «کشاورز» و «دامدار» است. به طور کلی سلسله‌مراتب و تقسیم‌بندی حیاط براساس فعالیت‌ها صورت می‌گیرد. در قسمت جلو حیاط اصلی «تلمبار، باغچه، کندوج» و در قسمت کناری که محوطه‌ی زن محسوب می‌شود، تنور قرار دارد. در طرف دیگر محوطه‌ای برای ماکیان و در پشت خانه یا در گوشه‌های حیاط، فضاهای سرویس بهداشتی و انبار قرار دارد. جایگاه این فعالیت‌ها در زمستان و تابستان فرق می‌کند. به طوری که در زمستان تمام فعالیت‌ها یک گام به عقب می‌آیند؛ مثلاً تنور خانه به داخل خانه کشیده می‌شود یا جایگاه مرغ و خروس زیر ساختمان و در فضای خالی پی قرار می‌گیرد. اجزای کلی محوطه در الگوی خانه کشاورز، شامل «مسیر، پرچین، پوشش گیاهی، تلمبار، مکان مرغ و خروس، Razjoo et al. 2019» است.

در معماری مسکن روستاهای گیلان که در کرانه‌های دریای خزر و دامنه‌های شمالی کوه‌ها واقع شده‌اند، می‌توان سه گونه‌ی معماری شامل گونه‌های «جلگه‌ای و کوهپایه‌ای، کوهستانی مرطوب، کوهستانی نیمه‌خشک» که حاصل تفاوت در اقلیم و نیازهای معيشی انسانی است را شناسایی کرد. در جامعه روستایی گیلان، تپیلوژی بنا از لحاظ رعایت نیازهای خانواده، محرومیت‌ها و تقسیم‌بندی‌ها و روابط اجتماعی، دارای مرزها و محدوده‌های نامرئی می‌باشد (جدول ۴). در این بناء، اتفاق عمده‌ای به عملکرد ویژه‌ای اختصاص نمی‌یابد. فضاهای بر حسب شخص یا جنس تقسیم‌بندی خاصی ندارند

نمایم.

۳-۲-۲. تجلی ابعاد «فرهنگ قناعت» در ساحت معماری روستایی گیلان

در شکل گیری مسکن روستایی، دو عامل «جغرافیای طبیعی» و «انسانی» نقش اساسی را بازی می‌کنند (Ahmadian et al. 2008)؛ عامل جغرافیایی یعنی رابطه‌ی انسان با طبیعت خود به دو عامل «محیطی» و «طبیعی» تقسیم می‌شود. عامل محیطی با خصوصیات آب و هوایی منطقه در ارتباط است و عامل طبیعی به خصوصیات استقرار مسکن در دسته‌بندی جلگه‌ای، کوهستانی، کوهپایه‌ای و ساحلی اشاره دارد و عامل انسانی به روابط انسان با انسان در محیط در قالب ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش Lang 2002 Quoted from Khosrow Nia (2009). معماری روستایی گیلان به دلیل تنوع اقلیمی (بیلاقی، کوهپایه‌ای، جنگلی، جلگه‌ای)، رنگارنگی فرهنگی و همزیستی اقوام گوناگون (گیلک، تالش، ترک، گالش، کرد)، جلوه‌های متنوع، هر یک هماهنگ با طبیعت مناطق و نیازهای ساکنان آن دارد. شناسایی و شناساندن دانش نانوشه و رمز و رازهای نگفته‌انواع این معماری نشان خواهد داد که ساکنان روستاهای گیلان در طول تاریخ، چگونه اهل سرزمین خود بوده‌اند Hashemi 2010). مهمترین عواملی که در روستاهای گیلان، معيشت روستائیان به آن‌ها متکی می‌باشد عبارت‌اند از: زراعت (کشت محصولات یک ساله)، با غداری (اعم از محل مرکبات)، دامداری (اعم کوچک و بزرگ)، بهره‌برداری از جنگل و علفزار، صید و شکار و آبخورداری، صنایع دستی، اماکن (زیارتی، سیاحتی و ورزشی)، صنایع روستایی، مشاغل دولتی و خدماتی Pour Esa Chafjiry & Ghasemi Roshan (2021). چند عملکردی بودن فضاهای جایه‌جایی عملکردها در فصول مختلف سال و عدم تفکیک فضاهای براساس جنسیت استفاده کنندگان، به فضاهای معماری گیلانی تنوع و

می‌نماید و به کار گرفتن هوشمندانه آن در عرصه ساخت‌وساز، حقیقتی است که امروزه عرصه معماری به شدت کمبود آن را احساس می‌کند (Ahani 2009).

و براساس تغییر فصل‌ها و نیازهای خانوادگی، مصارف گوناگونی پیدا می‌کنند. صداقت معماری بومی گیلان در درک و پذیرش رهنمودهایی که از محیط اطراف خود در یافت

جدول ۴: مقایسه مفهوم‌بایی ابعاد فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

Table 4: Comparison of The Conceptualization of The Dimensions of Contentment Culture In The Rural Architectural of Guilan

ابعاد قناعت	شاخص‌ها	تعريف
بعد اجتماعی	حفظ شأن ساکنین	«فرهنگ» در گیلان با سایر نقاط ایران تقاضت دارد؛ این می‌تواند معلول تمایزات بارز جغرافیا و اقلیم باشد. مردم گیلان که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند، برای فعالیت‌های اقتصادی، «نیازمند کار همه‌ی افراد خانواده» هستند. به عبارتی، مهمترین مراحل کشت برنج بر دوش «رنان گیلانی» است؛ «کار زیاد زنان در شالیزار و خارج از خانه»، منجر به «ظاهرات فرهنگی» متمایزی شده است. این ملاحظات، محصوریت کامل مسکن را- بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می‌شود- متغیر نموده «محرومیت‌بنا» را به حداقل می‌رساند. از طرفی «نیاز دائم محظوظ برای حفظ اموال و مزرعه»، ارتباط بصری تنکاتنگی بین درون و برون «بنا» را می‌طلبد. در روستاهای مسکن و مزرعه بیشتر به صورت «خانه- باخچه» بوده است. اینها هم‌در کنار «پیشش نسبی زن گیلانی» که در تمام اوقات روز با آن «ازندگی و کار» می‌کنند، «معماری بروونگر» را بسیار موجه می‌کنند (Khakpour 2007) در «معماری گیلان»، «فضاهای شفاف و متخلخلی» که رو به بیرون دارد، اگرچه برای پاسخ به «نیازهای اقلیمی» خلق شده، در «همانگی کامل با نیازهای مذهبی» و «باورهای فرهنگی» مردم این دیدار است. با این وصف، می‌توان «فرهنگ مردم گیلان» را مانند «معماری آن، «برونگر» توصیف نمود (Khakpour 2012).
بعد اجتماعی	هنری در متن جامعه	در «ازندگی اجتماعی روستایی گیلان»، «خانه» تنها جزوی از یک «مجتمع زیستی همگن» است و کل مجتمع، کادری از زندگی است که «سلسله‌مراتب خصوصی سازی زیستن» در آن به غایبت رعایت شده است و «سکونت خصوصی» و «سکونت عمومی» و «سکونت مجتمع یا سکونت در آبادی»، مکمل هم واقع می‌شوند. اساساً «فضاهای عمومی روستا»، «صحنه ملاقات و دیدار انسان‌ها» و ارتباط عمومی آنها است. این «تعامل» بیازمند فضایی مشاع است که دیدارهای روزانه در آن به وقوع بیرون و این مکان عمومی نیز، حافظ ارزش‌های موردن توافق در اجتماع بوده و سکونت عمومی را فراهم می‌سازد (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).
بی‌تكلفی و بی‌اعتنایی به نیازهای کاذب	«عامل دفاع» و یا «وجود امنیت» در هر منطقه توجیه‌کننده «خصوصیات دیوارها، مواعظ، پرچین و حصار» به «اشکال متخلخل یا صلب» به دلیل «نقش دفاعی و بازدارنگی» آنها است. «افقان حصار محکم و دیوارهای صلب» در معماری بومی روستایی گیلان، حکایت از «وفاق اجتماعی» و «وجود امنیت طولانی» در این مناطق دارد. این عامل در کنار «دلایل اقلیمی»، «بافت باز» را موجه جلوه می‌دهد. در واقع نوع محصوریت و گونه‌های حصار و دیوار بناهای مسکونی گیلان، میان میزان «محرومیت فضایی» و «نحوه تکر و اعتقادات مردم» این مناطق است (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).	
کم‌هزینگی	در نقاط جغرافیایی مختلف، حرمه‌های بومی و نحوه‌ی معیشت مردم متنوع است؛ به تبع فعالیت‌های اقتصادی گوناگون، الگوی مسکن نیز تقاضت دارد، چرا که «مکان زیستی» باید «پاسخگوی نیازهای رفتاری مردم» در پیوند با «کار و مشغله‌ی روزانه» باشد. بدین سبب در هر منطقه «محوطه‌ی مسکونی» و «عناصر خدماتی خانه» در فرم و ابعاد ویژه‌ای شکل گرفته است. در نقاط «کوهپایه» براساس شغل مسلط ساکنان که «باغداری» است، بنابر نوع «محصولات باقی»، فضاهایی برای قارگیری لوز و گاه اینبارهایی برای محصولات و لوز از جانی مورد نیاز است. در این نوع «فعالیت‌های اقتصادی»، فضاهایی برای «تبدیل محصول برداشت شده (مانند فندق و گردش)»، به محصولات قابل عرضه به بازار نیز لازم است. برحسب «نوع فرأوری» و «میزان آلودگی»، این فعالیت در «محوطه» یا «فضای سرپوشیده‌ای در داخل یا خارج بنای مسکونی» صورت می‌پذیرد و ظهور عنصر خدماتی مناسب برای این قیل فعالیت‌ها الزامی است؛ بنابراین در هر ناحیه، «اشغال مسلط ساکنان»، گویای جایگزینی عناصر خدماتی محوطه‌ی مسکونی است. از آن جمله: وجود «تونر (تدور) برای خشک کردن برگ‌های توتوون» و نیز «توتستان» و «تلمبار برای نوغان داری» (تلمبار بنای غیرمسکونی در محوطه‌ی خانه روستایی است که دارای پایه‌هایی با سقف دوشهیه است و فضای مثاثی زیر سقف، محل اصلی کرم‌های ابریشم تا تبدیل آنها به پیله‌ی ابریشم است» (Khakpour 2007).	
بعد اقتصادی	دوام و ماندگاری	در سرزمین گیلان، «خاستگاه هر چیز» در «طیعت» است. طبیعت گیلان- برخلاف کویر که بهمانند موجودی رازانگیز، همواره برای بشر منشأ راز و نه توبی بوده- با «است‌گشادگی» همه‌ی موهبت‌های خداوند را تقدیم بشر کرده است. معماری بومی گیلان، در برگیرنده راه حل‌های کاملی است در خصوص: الف(شرط اقیمی خاص منطقه؛ ب) استفاده زیرکانه از مصالح موجود در طبیعت اطراف؛ مانند این که بخواهی با زبان طبیعت با او به صحبت بنشینی؛ پ) استقرار ماهراهه فضاهای زندگی در محیط زندگی؛ آن گونه که هر فضا متناسب با فصلی از فصول سال است؛ ت) استفاده از فرم‌هایی که کلیتشان، طرح وارههای فرم‌های طبیعی را به ذهن مبتادر می‌کنند طرح وارههایی که از طبیعت در ناخودآگاه ذهن انسان جای گرفته به طرق مختلف در زندگی انسان امکان بروز می‌یابد: خواه در هنر آفریده‌ی انسان متجلی می‌شود، خواه به دلیل نیازهای زندگی از طریق ساخت و سلیمانی خودنمایی می‌کنند؛ ث) تأثیر فرهنگ منطقه در معماری آن (Shokohi Rad 2005). زمانی که یک روستایی می‌خواهد خانه خود را بنا کند، این امر با یاری اهالی روستا، آشناشان، استادکاران و اعضای خانواده صورت می‌گیرد. لذا در ساخت بنا، روش‌ها و فنونی به کار می‌رود که حاصل تجربه نیاکان جامعه روستایی در محیط طبیعی است. در واقع «اسختن»، میوه‌ی «شعور اجتماعی» این جامعه است و «کالبد فیزیکی خانه» درنتیجه‌ی «دانش و فنون بومی» جامعه‌ی روستایی بنا می‌شود (Taleghani 2011 quoted by Dahon 2012).
سودمندی (مطلوبیت)	«معماری بومی روستایی گیلان»، مانند هر «معماری برخاسته از زادبوم» و بر مبنای «نیازها» و «همانگ با عوامل محیطی (اکولوژیکی)» پذید آمده و از سوی دیگر بر پایه‌ی «باورهای ذهنی» و «کش‌های اجتماعی- فرهنگی» مردم منطقه در «همانگی با کش‌های اقتصادی»، شکل یافته است. بیشتر متعلقات خانه و فضاهای خدماتی واحد مسکونی همانند «تلمبار، کنلوچ، طولیه»، به طور مستقیم در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی پذید آمده‌اند. بدیهی است که ساکنان، از تنوع زیاد این عوامل (طبیعی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی) بهره برده تا بتوانند به بهترین وضعیت مسکن، محله و سکونتگاه خود را بهبود بخشد (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).	

<p>استان گیلان که خصوصیت اقلیمی باز است آن «اعتدال دما»، «رطوبت زیاد هوای» و «بارش‌های طولانی» است؛ مسکن پس از رفع نیاز اولیه، یعنی سرینه و مامن و جلوگیری از شداید طبیعت، حتی الامکان باید «رطوبت زیادتر از حد آسایش انسان» را دور نماید، یعنی «بنا باید به طریقی رطوبت هوا اطراف بدن انسان را کاهش دهد و امکان تعرق و تبخیر سطح پوست و درنتیجه، کاهش دمای بدن را مهیا سازد». به طور مثال در «جلگه‌ی مرکزی گیلان» که رطوبت آن بسیار زیادتر از سایر نقاط است)، علاوه بر وجود «ایوان‌هایی در چهار طرف ساختمان»، «بنا از سطح زمین نیز ارتفاع می‌باشد» و بدین‌وسیله، تهویه‌ی لایه‌ی زیرین ساختمنان نیز تأمین می‌شود. همچنین «ایوان» و «تلار» (ایوان طبقه‌ی دوم که بیشتر در معرض باد است و کوران بهتری دارد)، حرکت راحت هوا در طبقات مسکونی را امکان‌پذیر می‌کند؛ بنابراین «تهویه با جریان باد»، نه تنها در «جذاره‌های محیطی ساختمان»، بلکه در «لایه‌های سطوح مختلف» آن نیز صورت می‌پذیرد. ایوان فضایی است که در ایام گرم تابستان «فضای استراحت، غذا خوردن و تمام فعالیت‌های ساکنان» بوده است و از مهمترین عناصر واحد مسکونی محسوب می‌گردد (Khakpour 2007). برای «اتصالات اجزا» بهجای استفاده از «میخ و سبیه‌ای فلزی»، از «طناب‌های گیاهی» استفاده می‌شده است. متناول‌ترین این طناب‌ها، «وریس» است که از تاب دادن «ساقه‌های برنج» بافته می‌شود. «گُوس» گیاهی است که مثل پیچک دور درختان می‌پیچد؛ (گُوس) نسبت به «وریس» محکم‌تر و ضخیم‌تر بوده، به همین دلیل از آن جهت بستن چوب‌های خربها استفاده می‌شود. از دیگر طناب‌های گیاهی می‌توان به لرک کول (از پوست درخت لرک) و «عمل ما (گیاهی شبیه گُوس، به رنگ طوسی)» اشاره کرد (Ghobadian 2006).</p>	پایداری	علمی- فنی
<p>به علت حرکت کرمان از طبقات پایین به بالا و تابش فراوان بر بام، فضای زیر بام مکانی گرم است که برای کاهش دما و رطوبت در تابستان، به تهویه‌ی مناسب نیاز دارد. «راهکار معماري» در «مسکن بومی» این بوده که «تحتخته‌کوبی بین تیرهای افقی سقف طبقه بالا حذف گردیده و دریچه‌ی دسترسی به بام با نام «لوچنک یا روژنک»، تهویه‌ی فضای زیر سقف را ممکن می‌کرده است». بدین ترتیب جریان هوا در سطوح ارتفاعی مختلف ساختمنان وجود داشته و «فضاهای نیمه‌محصور» مسکونی در لایه‌های افقی و عمودی ساختمنان، موجب تهویه‌ی بیشتر بنا مسکونی می‌شده است. در زمستان فاصله‌ی میان تیرهای افقی سقف با «عناصری سبک مانند حصیر» پوشیده می‌شد تا از هدر رفتن گرمای زیر سقف جلوگیری شود (Khakpour 2007).</p>	صرف	بعد از
<p>«طیعی بودن» یا «ارگانیک بودن» نه تنها در «فرم ظاهری»، بلکه در «تکنیک‌های ساخت» و حتی در طریقه «استفاده از فضاهای خانه» در معماری بومی این سرزمین خودنمایی می‌کند. «مواد و مصالح» رایج در ساخت یک «بنای بومی» عمدتاً عبارت‌اند از: الف) چوب (در دو نقش متفاوت در معماری بومی گیلان خودنمایی می‌کند: ۱) در نقش «سازه‌ای»؛ ۲) برای «تزيين» قسمت‌های مختلف بنا مخصوصاً در قسمت «اتصالات»؛ ب) گالی یا کولوش؛ ج) گل (به شکل مخلوط با گالی یا کولوش و به عنوان گاهگل استفاده می‌شد)؛ د) آهک و گچ (عدمتأثراً برای رویه‌ی نهایی دیوارها کاربرد داشت) (Shokohi Rad 2005).</p>	بهره‌برداری از امکانات محیطی	بعد از
<p>«احساس تعلق داشتن به مکان و یک قلمرو» و «نیاز به هویت»، از نیازهای ثابت با حساسیت بحران‌زایی زیاد است. «هویت به معنای درک مردم درباره کیست و چیزهایی است که برایشان معنادار است؛ مفهوم «هویت» در «فرآیند اجتماعی شدن انسان» یافت می‌شود و «کنش متقابل بین شخص و جامعه» موجب اتصال «جهان شخصی و عمومی» وی می‌گردد. در روستاهای گیلان، «خانه» جدای از « محله و روستا» نبوده بلکه در موافقت با آن، گوشی دنچی برای «زندگی خصوصی» است که در ارتباط با مردم روستا نیز قرار می‌گیرد. «زندگی کردن در منطقه‌ای آشنا و میان مردمی از نوع خود که شیوه‌ها و عادات‌هایشان را شناخته شده است» به انسان «احساس امنیت» می‌دهد. بدین سبب زندگی افراد روستا، با آبادی یعنی صحنه رخداد سکونت طبیعی، درهم می‌آمیزد (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).</p>	هویت	بعد از
<p>در معماری مسکونی گیلان، «فضای مربع اتاق‌ها» که چهار وجه مساوی دارد، ماهیتاً «ایستا» است و معنای «مسکون» را به تماهي دارا است. چنین فضایی از حداقل پویایی برخوردار است و آرامش و امنیت را به همراه دارد اما «تلارها» با تابعیت «مستطیلی کشیده»، فاقد سکون و ایستایی و برای انجام «فعالیت‌های روزانه افراد خانه» مناسب‌اند. این فضاهای قابلیت تقسیم به چند بخش برای دسته‌بندی فعالیت‌ها و اختصاص بخش‌های مجاور انجام کارها را دارند. «فضاهای خطی ایوان‌های جانبی» در خانه‌های گیلان، «مشوق حرکت» و «مناسب برای تقسیم به چند بخش» است. از نظر «مقیاس» نیز، معماری بومی مسکونی گیلان به «مقیاس انسانی» ساخته می‌شود. این موضوع نه تنها «محیط» را راحت‌تر توصیف می‌کند، بلکه در آن احساس اهمیت و تسلط بر اوضاع می‌کنیم («ارتفاع صفحه سقف» در «کیفیت امنیت» و «صمیمیت فضا»، بسیار مؤثر است) (Khakpour 2007).</p>	کم‌گویی	بعد از
<p>از اتاق‌های اصلی خانه بهمندرت برای انجام کارهای خاص استفاده می‌شود، واژگان زبان محلی از این لحظه گویاست؛ درواقع اتاق‌ها براساس نقش‌های دائمی که ممکن است بر عهده داشته باشند، متمایز نمی‌شوند بلکه هر یک از آنها بهمندر و مطابق با «آهنگ تغییرات فصلی» مرکز «حيات خانوادگی» می‌گردد. شکل‌بندی خانه‌ی گیلانی، از نظر شکل‌بندی ییرونی آن، ثابت بوده اما ترکیب درونی «انعطاف‌پذیری» دارد؛ لذا با کاربردهای متعدد تطبیق‌پذیر است (Bronberger 1991). زن روستایی با قرار دادن «تونر» در گوشه‌ای از ایوان، یا طروف آشپزی در گوشه‌ای از اتاق، آن بخش را به خود اختصاص می‌دهد. درواقع به نظر می‌رسد یکی عوامل تعین‌کننده‌ی قسمت‌های مردانه و زنانه، «ابزار و وسائل مربوط به آنها» است؛ آنچنان‌که قرار گرفتن «کله (نوعی اجاق)» در بخشی از فضای اتاق، در زنانه تلقی شدن آن قسمت مؤثر بوده، همان‌گونه که ابزار متأثر از تکنولوژی پیچیده از جمله تلویزیون، عاملی برای تجمع مردان خانه در آن محدوده است (Khakpour & Asali 2019).</p>	سلیقه‌مندی	بعد از

میرسیار در «سادات محله» روستای بارکوسرا از توابع بخش رودبنه شهر لاهیجان قرار داشت که در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی ساخته شد. صاحب این خانه حاج سید تقی میرسیار از طبقه روحانیت بوده و پس از فوت وی خانه به پسرش سید مرتضی به ارث رسید. این خانه تا سال ۸۱ مسکونی بوده و مادر میرسیار در آن زندگی می‌کرد که پس از فوت ایشان، خانه متروکه بود تا هنگامی که موزه میراث روستایی گیلان در سال ۱۳۸۳ ه.ش. در سایت موزه دوباره چینی نمود که در دی‌ماه ۱۳۸۴ ه.ش. در میان میراث‌دوستانه شد (شکل ۴). بنا در ۲ طبقه به ارتفاع ۱۷ متر و با پلانی مستطیل شکل به طول ۸/۲۶ متر و عرض ۷/۴ متر است که نمای اصلی بنا در جنوب‌شرقی قرار دارد تا بتواند از تابش آفتاب و از بادهای مطلوب تابستانی بهره‌مند شود. این خانه دارای ۲ اتاق خواب است که یک اتاق در طبقه اول که در مقابل آن «ایوان» و یک اتاق در طبقه دوم که در مقابل آن «تالار» قرار دارد. سازه‌ی بنا، چوبی و نحوه‌ی اجرای دیوارها را به صورت «دارورجین» می‌باشد. اتصالات بنا اغلب به صورت «مفصلی» اجرا شده به گونه‌ای که در اعضای اصلی بنا مانند اسکلت دیوارها، سقف و پی، میخ و یا هرگونه اتصال متداول چوبی به کار نرفته است؛ ضمناً این که پوشش دیوار زگمهای در سه لایه اندواد از جنس «کولوش و گل»، «فل و گل» و «سوب و گل» اجرا شده است که در فضاهای داخلی بنا از اندواد آهک که خاصیت ضدغوفونی و سفیدکننده لایه‌ی گلی را دارد، استفاده شده است. پوشش بام در این بنا «گالی» است؛ این سازه به جهت سبکی نوع اتصالات آن، در مقابل زلزله بیشترین مقاومت را دارد.

۳-۳-۳. مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» با «سامانه‌های معماری» خانه شکیلی میرسیار

در ادامه‌ی این پژوهش، سعی شده است تا با استفاده از «شاخص‌های قناعت در معماری (Mahvash 2017)»، تجلی فرهنگ قناعت در معماری خانه شکیلی میرسیار را در سامانه‌های انسانی (جدول ۵)، کالبدی (جدول ۶)، کارکردی

۳-۳-۳. تحلیل و مقایسه تطبیقی نمونه مورد مطالعه

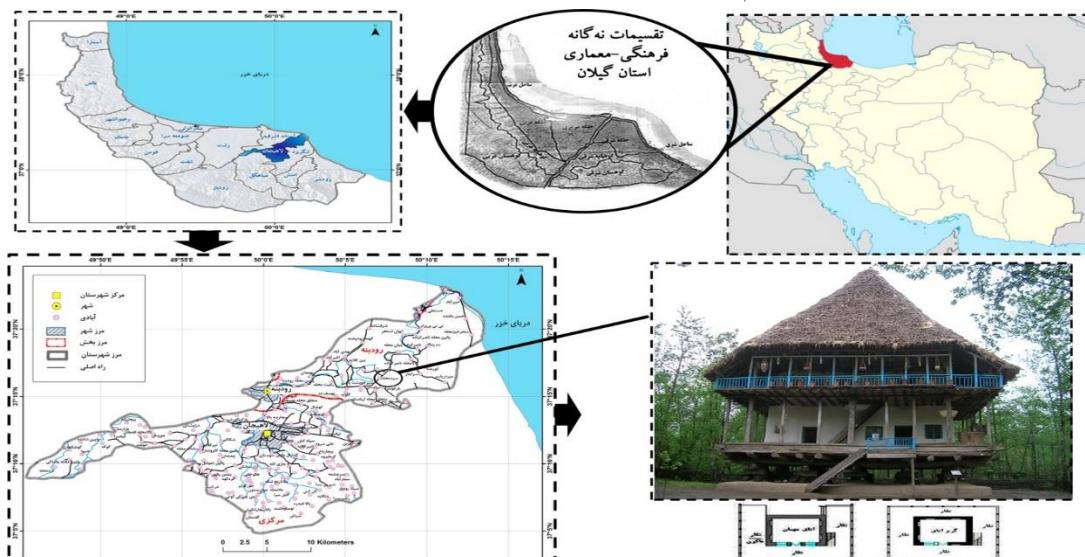
۳-۳-۱. ساختار نظری و مسیر انتخاب نمونه

در پژوهش حاضر، از روش مطالعه تطبیقی بهره گرفته شده که به مقایسه و تطبیق وجوده اشتراک و اختلاف دو یا چند حوزه مطالعاتی مورد پژوهش می‌پردازد و در این مسیر، به میزان همپوشانی یا تأثیر و تأثر کالبد از مفاهیم دینی پرداخته می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی- مفهومی در رشتۀ معماری، موجب شکل‌گیری و مفهوم سازی ایده‌ها در ظرفی از زمان و بستر جغرافیایی می‌شوند. بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در پژوهش‌ی میراث روستایی استان گیلان، حوزه‌ی «فرهنگی- معماری گیلان» براساس عواملی مانند: «فرهنگ» (گویش، زبان و غیره)، «مذهب» (شیعه، سنه، ارمنی، مسيحی و غیره)، نوع فعالیت اقتصادی (کشاورزی، دامداری، صیادی، باغداری و غیره)، «معماری بومی» به سه مجموعه‌ی اصلی «جلگه مرکزی»، «شرق» و «غرب» تقسیم‌بندی می‌شود که حوزه‌های شرق و غرب، خود دارای ۴ زیرمجموعه‌ی «کوهستانی، کوهپایه‌ی، جلگه‌ی و ساحلی» می‌باشند. در این بین زیرمجموعه‌ی «کوهستانی، کوهپایه و در مناطقی از ساحل» به دلیل استفاده‌ی فصلی و عدم تنوع فضایی- کارکردی به دلیل شرایط اقلیمی، در پژوهش ما مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند. بر این اساس، با توجه به شاخص‌های سنجش قناعت در معماری که می‌بایست اطلاعات کامل در حوزه‌ی های اندیشه‌های طراح، فرآیند ساخت، حجم نهایی، در اختیار پژوهشگر قرار گیرد، ما معماری روستایی گیلان، «خانه شکیلی میر سیار» از زیرمجموعه‌ی «جلگه شرق» را انتخاب کردیم تا میزان اثرگذاری فرهنگ زندگی قانعانه مردم گیلان را در هنر و کالبد معماری مسکن آنها بسنجیم.

۳-۳-۲. نمونه مورد پژوهش: خانه شکیلی میرسیار

«خانه شکیلی میرسیار» واقع در موزه‌ی میراث روستایی گیلان در فهرست آثار ملی کشور به شماره ۱۹۰۹۷، در سال ۱۳۸۶ ثبت ملی شده است. بستر و مکان اولیه‌ی خانه

(جدول ۷)، سازه‌ای (جدول ۸) تحلیل نمائیم.



شکل ۴: موقیت مکانی اولیه «خانه میرسیار» در حوزه‌های فرهنگی - معماری گیلان

Fig. 4: The Primary Location of "Mir Sayyar House" In The Cultural-Architectural Area of Guilan

جدول ۵: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه انسانی» در حوزه «اثر (محصول معماري)»

Table 5: Comparative Comparison of "Contentment Indicators" In "Human System" In The Field of "Form (Product Architectural)"

شاخص‌ها	ویژگی معمارانه	مقایسه
رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)	پاسخ‌گویی	تأمین نیازهای مادی (جسمی - کالبدی: انتخاب «معماری بروندگار») ← ارتباط بصری بین درون و بیرون بنا به دلیل نیاز دائم محوره برای حفظ اموال و مزرعه
	سازگاری	تطابق با روحیات کاربران (ایجاد «فضاهای شفاف و متخالخل») ← برای پاسخ به «نیاز اقلیمی»، «نیاز مذهبی»، «باورهای فرهنگی»
	اعطاف‌پذیری	انتقال معانی و مفاهیم متعدد به طور همزمان (چندلایمی بودن نمای اصلی) ← وجود ایوان و تالار در یک تا چهار طرف بنا (فضای سیاری چند عملکردی)
	سدگی	پرهیز از پیچیدگی در معنا (سادگی و یگانگی در بنا) ← به دلیل «عدم نگرانی از حمله و غارت دیگران»
اکتفا (بسنده به کم)	کم‌هزینگی	خودگردانی - استفاده از نیروی انسانی بومی، داشش و فناوری بومی و بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و همساز با طبیعت ← استفاده از چوب و مصالح گیاهی (اماند کولوش، گالی، نی و غیره) منطقه (از پی تا سقف بنا)
	استفاده چندمنظوره	امکان استفاده چندگانه از اجزاء اثر معماري (ایجاد مکانهای ویژه جهت «فعالیت‌های صنایع خانگی و دستی») ← «حیاط» برای حضیریافی، مواریافی؛ «ایوان» برای «قرارگیری مستگاه پاچال برای بافن چادر شب»
صرف‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)	قابلیت توسعه	پاسخگویی نیازهای روحی - روانی ساکنین در طول زندگی (قرار گرفتن فضای مسکونی در مرکز زمین) ← استفاده از «روشن تجمعی» عناصر خدماتی در اطراف بنا اصلی.
	پوشیدگی	راعیت حریم‌های خصوصی در پنهاندن فضاهای داخلی (به حداقل رساندن «محرومیت بنا» بهمنظور «اختفای زن») از افالار عمومی) ← متأثر از «افرهنگ و ارتباط اجتماعی زن و مرد در گیلان»، «پوشش نسبی زنان گیلانی» و «اشتعال دائم زنان و مردان در کار یکدیگر و دوشادوش هم»
عفت (پوشاندن خواسته‌ها)	بومی‌گرایی	ترجیح دادن داشته‌های محلی بر اوردهای وارداتی در تمامی سطوح ← هماهنگی با بستر (از نظر تمهدات اقلیمی، فناوری ساخت، مصالح، بافت و غیره)
	قابلیت خودگردانی	کاهش و استنگی به سایر منابع (ایجاد خودکفا بودن مجموعه مسکونی) ← ادغام بنا مسکونی، فضاهای و تأسیسات کشاورزی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی، حصار و پرچین، باغ و باچچه، چاه آب و غیره در «محوطه مسکونی»
اقتصاد (میانه‌روی)	میانه‌بودن	شناسایی ویژگی‌های زیستی کاربران ناشی از شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (ادغام مسکن و مزرعه بهصورت «خانه- باعچه») ← نیازمند کار همه افراد خانواده و کار زنان در شالیزار و خارج از خانه
	تعادل	همیت دادن به اجزاء و موضوعات مرتبط با یک اثر متناسب با وزن ارزشی هر کدام (استفاده از نشانه‌های طبیعت نظر درختان، گیاهان، کوهها و طبیعت اطراف) ← نمایانگر جاودانگی، حیات، حاصلخیزی و برکت و رحمت الهی
طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	انطباق‌پذیری	پذیرش و شکل‌گیری اثر معماري از واقعیات انسانی - مجیطی («قدان حصار محکم و دیوارهای چوبی» در معماري بومی روستایی گیلان) ← مینی میزان «محرومیت فضایی» و «نحوه تکرر و اعتقادات مردم»
	توازن	مطابق با آهنگ تغییرات فصلی ← سعی بر استفاده چندگانه از فضاهای

(تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

جدول ۶: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه کالبدی» (شکل و صورت فضاها) در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 6: Comparative Comparison of "Contentment Indicatore" In "Physical System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

شاخص‌ها	ویژگی معمارانه	مقایسه
رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)	پاسخ‌گویی	سازماندهی درست فضایی عملکردیها چیدمان و مجاورت فعالیت‌های مرتبط (مانند جای‌گیری کام در میانه محوطه و در معرض نسیم‌های محلی تابستانی)، جداسازی فعالیت‌های متضاد (مانند استقرار طولیه در غرب خانه به دلیل مانع از انتقال آلدگی توسط بادهای بهاری و تابستانی)
	سازگاری	سازگاری با محیط زیست تطبیق اقلیمی با هدف از ساخت مسکن (الای آرامش و آسایش)
	انعطاف‌پذیری	شکل‌بنایی بیرون خانه، «ثابت» اما ترکیب درونی، «انعطاف‌پذیر» عامل تعیین‌کننده مردانه یا زنانه بودن فضا براساس «ابزار و وسایل مربوط به آنها»
اکتفا (بسنده به کم)	سادگی	خوانایی (پرهیز از کاربرد تریثات اضافی و الحاقی) بهره‌گیری از تقویش گیاهی و عناصر طبیعی موجود در بستر کاربرد عناصر سازه‌ای در طراحی داخلی
	کم‌هزینگی	استفاده چندمنظوره تبعیض‌پذیری و چندعملکردی تابع نوع، تعداد و اندازه‌ی فضاهای با نیاز ساختن
(بهترین استفاده از داشته‌ها)	قابلیت توسعه	مدیریت منابع بهترین استفاده از امکانات و تجهیزات موجود بهمنظور توسعه آتی
	پوشیدگی	رعایت حریم‌های خصوصی در پهنه‌بندی فضاهای داخلی (۱) قرارگیری توالی در حیاط پشتی و دور از دید؛ (۲) تعییه فضای مایکان در حیاط شمالی و دور از دید
عفت (پوشاندن خواسته‌ها)	بومی‌گرانی	ترجیح دادن داشته‌های محلی بر آورده‌های وارداتی در تمامی سطوح بهره‌گیری از الگوهای باز فرم ساخت و ساز معماري بومي (مانند شکل بنا، مصالح رنگ، تریثات)
	قابلیت خودگردانی	امکان آفرینش اثر با استفاده از داشت و مصالح بومی بدون وابستگی به سایر منابع
اقتصاد (میانه‌روی)	میانه‌بودن	طالعه و شناخت شرایط عمومی مکانی - زمانی معماری بهمنظور رعایت حد اعادتی و تجاوز ننمودن از حد و اندازه درنظر گرفتن تمامی جوانب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در محصول نهایی
	تعادل	شناخت و بکارگیری روش‌ها و مصالح مختلفی که می‌تواند منجر به کم شدن هزینه‌ها در اثر شود (اجرا و ساخت دیوار در هر مقطعه با توجه به مصالح موجود (دیوار زگالی با شاخه‌های نازک درختان، دیوار زگمهای با چوب‌های گرده وغیره)
طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	انطباق‌پذیری	قبول واقعیات و ضوابط حاکم ساخت بام هرمی شکل با شیب تقریبی ۱۶ درصد برای کترل کج باران
	توازن	شناسایی ویژگی‌های زیستی کاربران و برقراری توازن با شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بهوسیله مبلمان آزاد (امکان جابجایی و تغییرات در آرایش مبلمان)

جدول ۷: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه کارکردی» در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 7: Comparative Comparison of "Contentment Indicatore" In "Functional System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

شاخص‌ها	ویژگی معمارانه	مقایسه
رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)	پاسخ‌گویی	چیدمان و مجاورت فعالیت‌های مرتبط ادغام بافت مسکونی و مزایع بهمنظور پاسخ‌گویی به معیشت و سهولت کار ساکنان
	سازگاری	بهره‌گیری از الگوهای باز رفتاری فرهنگ محلی قرارگیری «باغچه سبزیجات (دستباغ)» در حیاط جنوبی یا شرقی؛ کاشت درختی اعتقادی یا نمادین در جلوی نمای اصلی خانه
	انعطاف‌پذیری	تنوع‌پذیری و تغییرپذیری (قابلیت تغیر زیرینا با حداقل هزینه) چند عملکردی بودن فضاهای اهمیت کارکرد و عدم توجه به زیبایی‌شناسی
اکتفا (بسنده به کم)	سادگی	پرهیز از پیچیدگی در روابط عملکردی (ساخت «برچین حصار و حفاظ محوطه مسکونی» از ساده‌ترین مصالح در دسترس) با هدف جنبه نمادین داشتن آن بهمنظور «تعیین بخشی به محدوده مالکیت و مشخصه قلمرو»
	کم‌هزینگی	تناسب نوع مصالح و تجهیزات به کاررفته در اثر با داشت کاربران برای تعمیر و نگهداری (انتخاب «مصالح» از «منابع تجدیدپذیر») صرفه‌جویی در تولید و فرآوری مصالح ساختمانی
(بهترین استفاده از داشته‌ها)	استفاده چندمنظوره	چند عملکردی بودن ساخت افضاهای چندمنظوره مانند: «کندوچ (نگهداری برنج)» با اهداف: نگهداری برنج، محل استراحت کارکان در فصل کاشت برنج

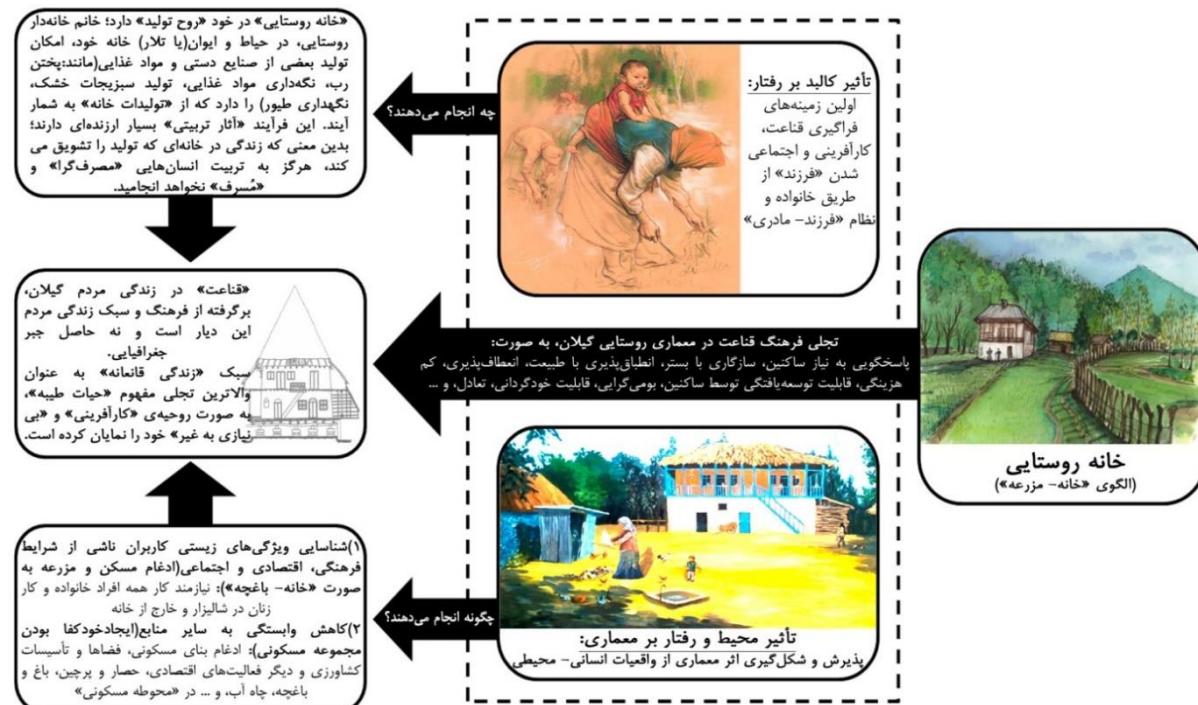
امکان انجام مطلوب ملزومات عملکردی پس از توسعه فرم ← طراحی براساس «چرخه طبیعت» در طراحی و ساخت خانه	قابلیت توسعه	
رجایت سلسه‌مراتب ورود (فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی، خصوصی) ← تقدم «محصوریت رفتاری» بر «محصوریت بصری»	پوشیدگی	عفت (پوشاندن خواسته‌ها)
تناسب فرم‌ها و کیفیات فضایی با اقیم منطقه و عملکرد مدنظر ← «جلاره‌های آزاد در هر سوی خانه» در راستای عمود بر بادهای مطلوب محلی	بومی گرایی	عزت و غنا (بینازی)
تناسب نوع طراحی و چیلدمان عناصر خدماتی با نیاز کاربران ← استقرار خانه در میان زمین و تعیه «چاه آب» در جلوی خانه	قابلیت خودگردانی	
تعادل در پاسخگویی اثر به نیازهای جسمی - روحی کاربران ← استقرار «کندوچ» در جلوی خانه و کنار در ورودی بهمنظر «سهولت کاربرد»	میانه‌بودن	اقتصاد (میانه‌روی)
تجددی‌پذیری ← توجه به «چرخه حیات مصالح (شامل: استخراج، فرآوری، حمل و نقل، ابزارداری، به‌کارگیری در ساختمان، بهره‌داری، تخریب و برگشت به طبیعت)»	تعادل	اسراف (تناسب هزینه و فایده)
عدم قرارگیری فضاهای آلوده در حیاط اصلی تقدم ← تقدم «کارکرد فرنگی» بر «کارکرد آب و هوایی»	انطباق‌پذیری	طبع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)
موازنی تلاش و صرف وقت و نیرو در رسیدن به خواسته‌ها ← الف) پیوند «امکان زیستی (محوطه مسکونی)» با «کار و مشغله روزانه (عناصر خدماتی)» به جهت «برقراری توازن در پاسخگویی به نیازهای رفتاری مردم» ب) توازن در کارکرد فضاهای خانه (کارکرد زیست روزانه - اقیمی - فرنگی)، کندوچ (کارکرد اقتصادی - فرنگی)، تور یا دود اتاق (کارکرد زیست روزانه - اقتصادی)، پرچین (کارکرد اقیمی - فرنگی)، کام (کارکرد اقیمی - اقتصادی)، طوبیله (کارکرد اقتصادی).	توازن	حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

جدول ۸ مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه سازه‌ای» در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 8: Comparative Comparison of "Contentment Indicators" In "Structural System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

شاخص‌ها	ویژگی معمارانه	مقایسه
رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)	پاسخ‌گویی	تأمین اینمنی ← ماحصل تجربه نیاکان جامعه روستایی در محیط طبیعی
	سازگاری	سازگاری فناوری ساخت بومی با محیط زیست ← «ساختن»، میوه‌ی «شعور اجتماعی» جامعه محلی است
	انعطاف‌پذیری	پاسخگویی به نیازهای ساکنین مختلف (اصل ساختمان برای همه)
	سادگی	پرهیز از پیچیدگی در روابط سازه‌ای ← متناسب با داشت کاربران برای تعمیر و نگهداری
اکتفا (بسنده به کم)	کم‌هزینگی	کاربرد عناصر سازه‌ای بدغونان «پوشش نهایی» ← در خانه شکلی، عناصر سازه‌ای مانند پی، سرناال (ستونها عمودی) و غیره علاوه بر نقش انتقال و توزیع بار ساختمان را بر عهده دارند، بهنوعی در خوانایی و زیبایی‌شناسی سبک ساخت بنا نیز حائز اهمیت می‌باشد.
	استفاده	بهره بردن از اثر و اجزای مختلف معماری برای اهداف و مقاصد مختلف و متنوع ← استفاده از «دود اتاق» هم برای طبخ غذا و پخت نان و هم برای خشک کردن برنج در فصول برداشت
	چندهمنظره	امکان افزایش عناصر یک اثر معماری نسبت به وضع اولیه ← امکان افزایش عناصر خدماتی وابسته در حیاط (صحر)
	قابلیت توسعه	پوشاندن خواسته‌ها از غیر ← قرارگیری توالی در حیاط پشتی و دور از دید؛ تعییه فضای ماکیان در حیاط شمالی و دور از دید
صرف‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)	پوشیدگی	حضور داشت و مصالح بومی در تمامی سطوح ساخت اثر ← بهره‌گرفتن از مصالح بومی در ساختار پوششی بنا؛ مانند قل (پوسته برنج) و گل، سوپ (سبوس برنج)، گل و غیره
	بومی گرایی	امکان ساخت اثر با استفاده از تجربه زیسته کاربران ← به دلیل سهولت و در دسترس بودن مصالح ساختمان در محیط ساخت بنا
	قابلیت	توجه به «چرخه تأمین پایدار» در طراحی عناصر سازه‌ای
	خودگردانی	تعادل در به کارگیری اجزای سازه‌ای عمودی و افقی در بنا بهمنظر حفظ پایداری بنا در مقابل بلایای طبیعی
اقتصاد (میانه‌روی)	میانه‌بودن	تعادل
		اسراف (تناسب هزینه و فایده)

طمع خواسته‌ها با واقعیت)	انطباق‌پذیری	استفاده از «کالی (گیاهی خودرو و مردانه است)» در پوشش بام برای کترول بارش و کج باران‌های منطقه
توانی در انتقال نیروی بنا به «پاکه» بهوسیله‌ی «کرسی چوبی»	توانی	توانی در انتقال نیروی بنا به «پاکه» بهوسیله‌ی «کرسی چوبی»



شکل ۵: تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

Fig. 5: Manifestation of The Culture of Contentment In The Rural Architectural of Guilan

نتیجه‌گیری

گیلان نشان داد که در الگوی «خانه-مزروعه» است که فرزند از کودکی با روح کار و تولید و خودبسندگی بهوسیله‌ی همراهی با مادر خانواده آشنا می‌شود. آثار تربیتی که زندگی در این محیط ایجاد کردند هرگز به تربیت انسان‌های مصرف‌گرا نخواهد انجامید که این امر به عزتمندی، بی‌نیازی و سرافرازی در جامعه کمک می‌کند که آن را می‌توان ثمره‌ی زیستن در این فضای کالبدی دانست. از نظر فضایی نیز می‌توان «ایوان» یا «تلار» را به عنوان یک فضای چند عملکردی بیان کرد که در قالب فضای نیمه‌بسته به عنوان محیط و بستر شکل دهنده به فعالیت‌های تولیدی (انجام فعالیت‌هایی

فرهنگ در بستر سبک زندگی در قالب «مردم چه انجام می‌دهند؟» و در بستر معماری در قالب «چگونه انجام می‌دهند؟» به شکل واسطه‌ای به نام «ساختمان» تجلی پیدا می‌کند. توجه به خصوصیات موجود در «معماری قانعه گیلان» به ما یادآور می‌شود در سرزمین گیلان، «خاستگاه هر چیز» در «طبيعت» است؛ طبيعت گیلان با دست‌گشاده همه‌ی موهبت‌های خداوند را تقدیم بشر کرده است، اين موضوع بدین معنی است که رعایت فرهنگ قناعت در اين استان، حاصل جبر جغرافيابی نیست بلکه نشأت گرفته از «سبک زندگی دینی» مردم اين ديار است (شکل ۵). مطالعات تطبیقی خانه روستایی

طبیعت، به طبیعت بازمی‌گردد. از این دیدگاه می‌توان رابطه‌ای «قناعت»، «معماری» و «سبک زندگی روستایی» را رابطه‌ای بر مبنای «رازآموزی از طبیعت» دانست که در این الگوی فضایی - کالبدی، فرزندان، اولین زمینه‌های قناعت‌ورزی را از طریق خانواده و نظام «فرزنده - مادری» می‌آموزند.

۵. تشکر و قدردانی

تمام خمیرمایه‌ی زندگی من از دو حوزه سرچشمه می‌گیرد: گیلان‌جان و خانواده. گیلان‌جان سرزمن مادری است که به بنده این اجازه را داده تا ریشه‌های هویت و اصالت ام در آنجا شکل بگیرد و ساختار فرهنگی و سبک زندگی ام را سازماندهی و شکل دهد. سرزمنی که سرشار از موهبت‌های الهی با مردمانی سپاسگزار و قدردان نعمت‌های الهی می‌باشد؛ و خانواده‌ای که تمام لحظات زندگی فرزندان‌شان را با فرهنگ و سبک زندگی غنی گیلان عجین کرد. انشاء‌الله این پژوهش بتواند بخش کوچکی از ادای دین و قدرانی بنده نسبت به سرزمن مادری و خدمات خانواده‌ام باشد.

نظری حسیربافی، چادرشیب بافی، قالی‌بافی، ساخت صنایع دستی، پخت نان، آماده سازی غذاهای نیمه‌آماده و غیره) و برقراری و حفظ ارتباطات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نما یانگ پیوند «مکان زیستی (محوطه مسکونی)» با «کار و مشغله روزانه (عناصر خدماتی)» به جهت «برقراری توازن در پاسخگویی به نیازهای رفتاری مردم» می‌باشد. در بخش مصالح مورد استفاده در بنا، همه چیز از بستر و طبیعت اطراف تأمین می‌شود و در پایان این چرخه، تمامی محصلات بکار رفته قابلیت تجزیه در طبیعت را دارا می‌باشند. از سوب (ساقه‌های برنج) که به عنوان پسماند کشت برنج، بخشی را در ساختمان‌سازی و پوشش دیوار زگمه‌ای استفاده می‌کنند و بخش دیگر را در خوراک دام و طیور؛ و یا آن بخش از کلوش (گالی) که در پوشش بام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، پس از فرسودگی نیز یا در زیر خاک دفن می‌کنند و به عنوان کود استفاده نمایند و یا با سوزاندن آنها، برای از بین بردن سینوزیت دام بهره می‌برند. در واقع هیچ دور ریخته نمی‌شود، بلکه با پایان عمر مصرفی، دارای کاربرد دیگری می‌شود و درنهایت به عنوان عضوی برآمده از

پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر سید غلامرضا اسلامی

فهرست منابع

- قرآن‌کریم. ۱۳۹۹. ترجمه مهدی‌الله قمشه‌ای. تهران: انتشارات هلیا.
- نهج‌البلاغه. ۱۳۸۵. ترجمه محمد دشتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- آزاد ارمکی، تقی و ترکانی، مجتبی و حق‌ندری، ایرج. ۱۳۹۲. تحلیل کیفی تگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری. دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۱(۱): ۹-۲۴.
- آهنی، فاطمه. ۱۳۸۸. جایگاه طبیعت در معماری روستایی گیلان. نشریه فن و هنر - سازمان نظام مهندسی ساختمان گیلان ۱۳(۶۱): ۱۷-۲۱.
- اباذری، یوسف و چاو‌شیان، حسن. ۱۳۸۱. از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی»؛ رویکردی نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی.
- نامه علوم اجتماعی ۲۰(۴۴۵): ۳-۲۷.
- ابراهیمی، زهرا. ۱۳۹۸. گفتار و کردار امام‌علی(ع) در مفاهیم عرفانی (تا سده‌ی پنجم). تهران: نشر هرمس.
- ابراهیمی، ابراهیم و ترابی، زینب. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی فرهنگ قناعت در قرآن‌کریم و بوستان و گلستان سعدی. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۳(۳): ۴۷-۲۳.

- ابن بابویه(شیخ صدوق)، محمدبن علی. ۱۳۷۷. معانی الأخبار. ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهروodi. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن مسکویه، احمدبن محمد. ۱۳۹۴. تهذیب الأخلاق. ترجمه: صلاح الدین سلجوقی. تهران: انتشارات موسسه انتشارات عرفان.
- احمدی، زهرا. ۱۳۹۵. فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی در معماری بومی ایران با تأکید بر سازه‌های آبی. همایش سراسری علمی - پژوهشی سبک زندگی، تایپاد، ۶. <https://civilica.com/doc/582946>
- احمدیان، رضا و محمدی، حمید و موسوی، سیروس. ۱۳۸۷. ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران. نشریه آبادی (۵۹): ۲۳-۲۶.
- اسلامی، سید غلامرضا. ۱۳۹۲. درس‌گفتار مبانی نظری معماری: عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: علم معمار رویال و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- ارغوانی طرق‌داری، مجتبی. ۱۳۹۹. طراحی مسکن اجتماعی با توجه به اصل قناعت و صرفه‌جویی معماری اسلامی (نمونه‌موردی: محله آبکوه مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر هادی سوروی. دانشکده هنر و معماری اسلامی. دانشگاه بین‌المللی امام‌رضاع).
- اکرمی، غلامرضا. ۱۳۸۹. رازهای معماری روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۲۹): ۲۷-۵۰.
- امیر‌شکاری، شقایق. ۱۳۹۶. ارائه الگویی برای کاهش هزینه ساخت مسکن بر مبنای اصل پرهیز از بیهودگی با بازنگری در طراحی معماری- طراحی مجتمع مسکونی ۱۰۰ واحدی در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر محمود گلابچی. موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس تهران.
- بروجردی، محمدحسین. ۱۳۸۶. منابع فقه شیعه: ترجمه جامع احادیث الشیعه - جلد ۲۲. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- برومبرژه(برونبرژه)، کریستیان. ۱۳۷۰. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان(مطالعات مردم‌شناسی). ترجمه: علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، استانداری گیلان.
- بهجهت تبریزی(ملخص به شهریار)، محمدحسین. (۱۳۹۴)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات نگاه.
- پرچمی، محب‌الله. ۱۳۷۱. شعر و ادب گیلان. نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی (۲۹): ۵۸-۶۷.
- پور عیسی چافجیری، حمید و قاسمی روشن، ابراهیم. ۱۳۹۹. درآمدی بر سازه‌های روستائی و معیشت در نواحی ساحلی گیلان. فصلنامه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی (۳): ۷۳-۹۸.
- جلیلیان، شهریانو و طاهیان، منصوره. ۱۳۸۱. صرفه‌جویی مصرف انرژی در مسکن روستایی. دومن همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان. تهران. <https://civilica.com/doc/2442>
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. ۱۳۸۵. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. ۱۳۹۶. دیوان حافظ(حافظ قزوینی - غنی / با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی). چاپ هشتم. تصحیح: محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: انتشارات اساطیر.
- حر عاملی، محمدبن حسن. ۱۲۵۸ه.ق. وسائل الشیعه - جلد ۱۵. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- حیدری، علی‌اکبر و قاسمیان، عیسی. ۱۳۹۸. تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه‌موردی: خانه مرتاض در یزد). فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی (۲۳): ۸۷-۱۰۶.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۹۱. تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری مسکن بومی روستایی گیلان(با تأکید بر نقش زنان). رساله دکتری. دکتر مجتبی انصاری، دکtor محمود طاووسی، دکتر علی شیخ‌مهדי. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۸۶. دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان: معماری خانه‌های گیلان(شماره ۹). چاپ سوم. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۸۵. ساخت خانه شیکیلی در گیلان. فصلنامه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۲۵): ۴۵-۵۴.
- خاکپور، مژگان و عسلی، مرتضیه. ۱۳۹۸. کیفیت جنسیتی فضای خانه‌های روستایی گیلان. دو فصلنامه علمی هنرهای حوزه کا سپین (۱): ۱۷۱-۱۸۶.
- خاکپور، مژگان و عشقی صنعتی، حسام. ۱۳۹۳. بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۱۴۸): ۳-۲۰.
- خسروونیا، مرتضی. ۱۳۸۸. ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۲۸): ۱۲۷.

- دهقانی، محمد. ۱۳۹۷. ساخت مقیاس قناعت براساس منابع دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر محمد رضا حسین‌زاده توکلی، دکتر حمزه عبدالی. دانشگاه قرآن و حدیث قم.
- دهون، آرمان. ۱۳۹۱. شناسایی ویژگی‌های معماری سنتی حوزه جلگه شرقی گیلان و طراحی یک نمونه موردي مسکونی در روبدنه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنمای: دکتر جمال الدین مهدی‌نژاد، استاد مشاور: دکتر اسماعیل ضرغامی و دکتر مژگان خاکپور، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی.
- دلیمی، حسن بن محمد. ۱۳۴۹. ارشاد القلوب. ترجمه: هدایت الله مسترحمی. تهران: انتشارات مصطفوی.
- رازجو، مهرداد و متین، مهرداد و امامقلی، عقیل. ۱۳۹۸. تحلیل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مسکن روستایی اقلیم معتمد و مرطوب با استفاده از روش چیدمان فضای در مسکن جلگه‌ای گیلان. فصلنامه علمی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی ۱۱(۲): ۳۷۱-۳۹۶.
- رضایی، پرویز. ۱۳۸۵. بحران آب در استان گیلان و راهکارهای مقابله با آن. فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی ۱(۳): ۶۷-۷۵.
- رضایی آشتیانی، سیما و مهدی نژاد، جمال الدین. ۱۳۹۹. تجلی قناعت در انرژی دوستی معماری سنتی ایران. سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران. تهران. ۱۱۱۹۲۹۱. <https://civilica.com/doc/1119291/>
- روحی طوفان، محمد‌مهدی. ۱۳۹۴. طراحی الگوی خانه براساس روش‌های تربیتی دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر سمیه امیدواری. دانشکده علوم مهندسی. دانشگاه علم و هنر یزد.
- روشن، بالقیس و یوسفی‌راد، فاطمه و شعبانیان، فاطمه. ۱۳۹۲. مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان. دوفصلنامه علمی زبان‌شناسی ۴(۸): ۷۵-۹۴.
- زمانی، پگاه. ۱۳۷۸. مقدمه‌ای بر حضور طبیعت در معماری. در کتاب: مجموعه مقالات دوین کنگره معماری و شهرسازی- جلد نخست، کرمان: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی مسکن روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۳۰(۳۰): ۳-۱۴.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۸۸. آسیب‌شناسی معماری روستایی- به سوی سکونتگاه مطلب. تهران: انتشارات شهیدی.
- سریانی، نسرین. ۱۳۸۱. قناعت و معماری(نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر محمود رازجویان. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه یزد.
- سعدی، مصلح‌ابن عبدالله. (۱۳۹۱)، کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات بانک ملی.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین. (۱۳۸۴)، بوستان. چاپ هشتم. تصحیح: غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدوندی، مهدی. ۱۳۸۸. معماری قانعه. رساله دکتری. دکتر هادی ندیمی، دکتر محمود رازجویان. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه شهید بهشتی.
- شفیعیان، محمدجواد. ۱۳۹۴. جایگاه قناعت در سیک‌زندگی اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنمای: دکتر رضا شکرانی، دانشگاه قرآن و حدیث.
- شکوهی راد، سید همایون. ۱۳۸۴. معماری بومی گیلان، نمونه‌ای از معماری ارگانیک. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۱۱(۱): ۱۸-۲۷.
- صادق‌بی، ناهید. ۱۳۸۸. دیدگاه مسروقانه در طراحی خانه. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۲۸(۲۶): ۴۷-۳۶.
- طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه مرادی، میراث معماری روستایی گیلان(۶)؛ جلگه مرکز. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری فرهنگستان هنر(من).
- طاهباز، منصوره و جلیلیان، شهربانو. ۱۳۹۰. شاخصه‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۱۳۵): ۴۲-۲۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۴. تفسیر المیزان- جلد ۱۴. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن. ۱۳۷۸. اخلاق ناصری. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

کا شانی، عزالدین محمود بن علی. ۱۳۹۳. م. صباح الهدایه و مفتاح الکفایه. چاپ چهاردهم. ویراستار: جلال الدین همایی. تهران: شرکت نشر هما.

عسکری خانقاہ، اصغر و ساعی ارسی، ایرج و اسماعیل پور، حسین. ۱۳۹۹. جایگاه فرهنگ در توسعه اقتصادی منطقه گیلان با تأکید عوامل اجتماعی. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی* ۱۱ (۴۲): ۱۵۵-۱۲۷.

غزالی، محمدبن محمد. ۱۳۹۳. احیاء علوم الدین: ربع مهلهکات (جلد ۳). چاپ هشتم. ترجمه: مویدالدین محمد خوارزمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فاضلی، نعمت الله. ۱۳۸۳. سبک زندگی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. فرهادی، مرتضی. ۱۳۸۸. انسان‌شناسی یاریگری. تهران: نشر ثالث.

قبادیانی، وحید. ۱۳۸۵. بررسی اقلیمی اینیه ستی ایران. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قمری، شیخ عباس. ۱۳۹۸. المقامات العلیه فی موجبات السعاده العبدیه. تحقیق و تنظیم: مسعود انصاری. قم: انتشارات کتابستان معرفت. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۳. الکافی - جلد ۲. قم: دارالحدیث.

لنگ، جان. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. چاپ ششم. ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر. ۱۳۸۶. مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول. ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب اسلامی. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه - جلد ۱۱. چاپ چهاردهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملک اصلانیان، امانوئل. ۱۳۸۷. «رنگ، حالت و فضا» در موسیقی و معماری. در کتاب: معماری و موسیقی، چاپ سوم، تهران: نشر فضا. موذن، سجاد. ۱۳۹۹. قناعت؛ قدر مداخله در بناهای تاریخی معماری اسلامی ایران. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت‌های شهری در ایران. تهران. <https://civilica.com/doc/1113593>.

موسوی بازرگان، سیدجلال. ۱۳۸۶. مؤلفه‌های کارآفرینی. تهران: سازمان انتشارات جهاددانشگاهی.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. ۱۳۸۸. مثنوی معنوی: براساس نسخه‌ی رینولدالین نیکلسون. چاپ چهارم. تهران: انتشارات کاروان.

مهوش، محمد. ۱۳۹۷. شاخص‌سازی مفاهیم اخلاقی در معماری؛ مطالعه‌ی موردی: قناعت. رساله دکتری. دکتر مهدی سعدوندی، دکتر مهدی حجت. دانشگاه هنر اصفهان.

مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی. ۱۳۹۸. معرفه‌ای قناعت در معماری(در تضاد معنایی قناعت با طمع و حرص). دو فصلنامه علمی اندیشه معماری (۵) (۵): ۱۷-۳۲.

مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی. ۱۳۹۷. شاخص سازی قناعت در معماری. *فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی* ۶ (۲۰): ۱۳۷-۱۵۴.

نامی، غلامحسین. ۱۳۸۷. چگونگی‌های روند آفرینش یک اثر هنری، در کتاب: معماری و موسیقی، چاپ سوم، تهران: نشر فضا.

نراقی، مهدی. ۱۳۹۴. جامع السعادات. ترجمه: کریم فیضی، قم: انتشارات قائم آل علی.

نراقی، احمد بن محمد مهدی. ۱۳۸۷. معراج السعاده. چاپ ششم. قم: انتشارات هجرت.

نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات حکمت.

نظری مقدم، جواد. ۱۴۰۱. بازتاب فرهنگ کار ادبیات عامه گیلان؛ با نگاهی بر ضربالمثل‌های گیلکی. مجله علمی مطالعات ایرانی ۲۱ (۴۱): ۷۱۷-۷۵۶.

نوروزی طلب، علیرضا. ۱۳۷۸. راز و رمز بینش دینی هنر. *فصلنامه هنر* (۴۰): ۱۱۷-۱۲۷.

هاشمی، عزیزه. ۱۳۸۹. میراث روستایی گیلان. دو فصلنامه جستارهای شهرسازی (۳۱): ۱۱۷-۱۱۸.

منابع انگلیسی

The Holy Quran. 2020. Translated by: Mehdi Elahi Ghomsheie. Tehran: Helia Publications [In Persian].
Nahj al-Balagha. 2006. Translated by: Mohammad Dashti. Tehran: Payam-e-Edalat Publications [In Persian].

- Abazari, Yousef., & Chavoshian, Hassan. 2002. From "Social Class" To "Lifestyle"; A New Approach In The Sociological Analysis of Social Identity. *Journal of Social Sciences Letter* 20(445): 27-3 [In Persian].
- Ahani, Fatemeh. 2009. The Place of Nature In The Rural Architecture of Guilan. *Journal of Art & Profession* 13(61): 17-21 [In Persian].
- Ahmadi, Zahra. 2015. The Culture of Contentment and Frugality In Iranian Vernacular Architecture With A Review of Water Structures. National Scientific-Research Conference on Lifestyle, Taibad, <https://civilica.com/doc/582946>. [In Persian].
- Ahmadian, Reza & Mohammadi, Hamid and Mousavi, Siros. 2008. The Morphological Characteristics of The Rural Fabrics of Iran. *Journal of Abadi* (59): 16-23 [In Persian].
- Akrami, Gholam Reza. 2010. The Mysteries of Rural Architecture. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 29(131):25-48 URL: <http://jhre.ir/article-1-31-fa.html> [In Persian].
- Al-Hurr al-Amili, Mohammad-ibn-Hasan. 1842. *Wasa'il al-Shia*-Volume 15. Beirut: Dar al-Hya al-Trath al-Arabi.
- Amir Shekari, Shaghayegh. 2017. Presenting A Model to Reduce The Cost of Housing Construction Based On The Principle of Avoiding Futility By Reviewing The Architectural Design - Designing a 100-unit Residential Complex In Tehran. Master's Thesis. Dr. Mahmoud Golabchi. Pars University of Art & Architecture, Tehran [In Persian].
- Arghawani Toroghdari, Mojtaba. 2020. Designing Social Housing According To The Principle of Contentment and Frugality In Islamic Architecture(Case Study: Abkoh Neighborhood of Mashhad). Master's Thesis. Dr. Hadi Sarvari. Faculty of Islamic Art and Architecture. Imam Reza International University [In Persian].
- Askari Khaneghah, Asqar., & Saie Arasi, Iraj., and Esmailpour, hossein. 2020. The Place of Culture in the Economic Development of Guilan Region with Emphasis on Social Factors. *Journal of Social Development and Welfare Planning* 12(42): 127-155. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2020.11924> [In Persian].
- Azad Armaki, Taghi., & Tarkarani, Mojtaba., and Haghnamdi, Iraj. 2014. A Critical Study of the Qualitative and Developmental Attitudes in Lori Folklore Proverbs. *Biquaetry Journal of Sociology of Social Institutions* 1(1): 9- 34. https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_724.html?lang=en [In Persian].
- Bourdieu, P. 1935. *Distinction: A Social Critique of the Judgements of Taste*. London: R. K. P.
- Boroujerdi, Mohammad Hossein. 2007. Sources of Shia Jurisprudence: Comprehensive Translation of Jame Al-Ahahdith Shia-VOLUME 22. Tehran: Farhang Sabz Publications [In Persian].
- Bronberger, Christiane. (1991). Habitat, Architcture et Societe Rurale Dans La Plaine du Gilan. In:"Etablissements Humans et Environnement Socio Cultural", The UNESCO Courier.
- Chapin, Francis Stuart. 1974. Human Activity Patterns In The City: Things People Do In Time and In Space. A Wiley Interscience Publications, New York: John Wiley & Sons.
- Chapin, S. 1935. *Contemporary American Institutions*. New York: Harper and Bro.
- Dahon, Arman. 2012. Identifying The Traditional Architectural Features of Guilan's Eastern Plains and Designing A Residential Example In Roudbaneh. Master's Thesis. Supervisor: Dr. Jamaluddin Mahdinjad, Consultant: Dr. Ismail Zarghami and Dr. Mozhgan Khakpour, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaei University of Education.
- Daylami, Hassan bin-Mohammad. 1970. *Ershad al-Gholub*. Translation: Hedayat Allah Mostarhami. Tehran: Mostafavi Publications [In Persian].
- Dehghani, Mohammad. 2018. Building A Contentment Scale Based On Religious Sources. Master's Thesis. Dr. Mohammad Reza Hassan Zadeh Tavakoli, Dr. Hamzeh Abdi. The University of Quran and Hadith, Qom.
- Ebrahimi, Zahra. 2019. Speeches and Actions of Imam Ali In Mystical Concepts(Up To The Fifth Century). Tehran: Hermes Publications [In Persian].
- Ebrahimi, Ebrahim., & Torabi, Zeinab. 2016. A Comparative Study of the Culture of Contentment in the Holy Qur'an and in Saadi's Bustan and Gulistan. *The Quarterly Journal of Literary-Quranic Research* 3(3): 23- 47. [In Persian].
- Farhadi, Morteza. 2018. *Anthropology of Help*. Tehran: Saless Publications [In Persian].
- Fazeli, Nemat Allah. 2004. *Lifestyle*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian].
- Featherstone, M. 1991. *Consumer Culture and Postmodernism*. London: Sage.
- Ghazali, Mohammad bin-Mohammad. 2014. *Ehyae Olum-e-Din: Robe Mohlakat*(Volume 3). Eighth Edition. Translation: Muayyeddin Mohammad Kharazmi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Gibbs, Jr., & Raymond, W., & Johnson, M. D., and Colston, H.L. 1996. How To Study Proverb Understanding. *Metaphor & Symbol* 11(3): 134.
- Ghobadian, Vahid. 2006. *Climatic Survey of Traditional buildings In Iran*. 4nd Edition. Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad. 2017. *Diwan Hafez* (Hafez Qazvini - Ghani/ with a collection of notes and margins by Allameh Mohammad Qazvini). Eighth edition. Editing: Mohammad Qazvini and Qasim Ghani. Tehran: Asatir Publishing [In Persian].
- Haji Ebrahim Zargar, Akbar. 2006. *An Introduction To The Knowledge of Rural Architecture In Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University Press [In Persian].
- Hashemi, M. 2010. The Rural Heritage of Guilan. *Journal of Urbanization Essays* (31): 117-118 [In Persian].
- Heydari, Ali Akbar., & Ghasemian, Isa. 2019. Contentment and Architecture An Investigation of the Manifestation of the Concept of Contentment in the Pattern of Iranian Traditional Houses(Case Study: Mortaz House). *Journal of Researches in Islamic Architecture(Jria)* 7(2):87-106. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1175-fa.html> [In Persian].
- Ibn Babouyeh(Sheikh Sadouq), Muhammad ibn Ali. 1998. *Maani al-Akhbar*. Translation: Abd al-Ali Mohammadi Shahroudi. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya [In Persian].
- Ibn Maskuyeh, Ahmad bin-Muhammad. 2015. *Tahzeeb al-Akhlaq*. Translation: Salahuddin Saljuqi. Tehran: Erfan Publications Institute [In Persian].
- Islam, Seyyed Gholam Reza. 2014. *Lessons On Architectural Theory: Let Us Make Our OwnGlasses*. Tehran: Elm-e-Memar

- Publications [In Persian].
- Jalilian, Sharbanoo., & Tahbaz, Mansoureh. 2002. Saving Energy Consumption In Rural Housing. The Second Conference On Optimizing Fuel consumption In Buildings. Tehran. <https://civilica.com/doc/2442> [In Persian].
- Kashani, Ezzeddin Mahmoud bin Ali. 2014. Mesbah al-Hedayah Va Meftah al-Kefayeh. 14th Edition. Editor: Jalaluddin Homaie. Tehran: Homa Publishing Company [In Persian].
- Katz, Albert N. 1999. Proverb In Mind: The Cognitive Science of Proverbial Wit and Wisdom(Book Review). *Metaphor & Symbol* 14(1): 71- 75.
- Koleini, Mohammad-bin-Yaqub. 2004. Al-Kafi - Volume 2. Qom: Dar al-Hadith.
- Khakpour, Mozghan., & Asali, Marziyeh. 2019. Gender Quality of Space in Rural Houses of Guilan. *Quarterly Journal of The Arts of Caspian Area* 1(1): 171-186. doi: 10.22080/ARTECH.2019.2248 [In Persian].
- Khakpour, Mozghan., & Eshghi Sanati, Hesam. 2015. An Investigation of the Effect of Social and Cultural Factors on the skeletal Texture of Guilan Province's Villages. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 33(148):3-20. URL: <http://jhre.ir/article-1-607-fa.html> [In Persian].
- Khakpour, Mozghan. 2012. The Influence of Social and Cultural Factors on the Formation of Vernacular Rural Housing In Guilan(with Emphasis on The Role of Women). Ph.D. Thesis. Dr. Mojtaba Ansari, Dr. Mahmoud Tavousi, Dr. Ali Sheikh Mahdi. Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.
- Khakpour, Mozghan. 2007. The Architecture of Guilan's Houses. Rasht: Farhang-e-Ilia Publicatons [In Persian].
- Khakpour, Mozghan. 2006. Shekili Guilan, Wooden Construction, Fiber Coated Roof. *Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-va-Shahrsazi(JFAUP)* (25): 45-54 [In Persian].
- Khosrow Nia, Morteza. 2009. Evaluation of Different Perspectives on the Formation of Rural Housing. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 28(127):32-43. URL: <http://jhre.ir/article-1-59-fa.html> [In Persian].
- Lang, Jon T. 2002. Creating Architectural Theory: The Role of The Behavioral Sciences In Environmental Design. 6nd Edition, Translated by: Alireza Eini Far. Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Lash, S. & Urry, J. 1987. The End of Organised Capitalism. Cambridge: Polity Press.
- Majlesi, Mohammad Bagher. ۴۰۰۰. Merat al-Oqool fi Sharh Akhbar Al-e-Rasoul. Translation: Seyyed Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Dar al-Kotob Islamia [In Persian].
- Mahvash, Mohammad., & Saedvandi, Mehdi. 2019. Indicators of contentment in Architecture In Semantic Conflict of Contentment with Covet and Greed. *Journal of Architectural Thought* 3(5): 17- 32. doi: 10.30479/AT.2019.10301.1142 [In Persian].
- Mahvash, Mohammad., & Saedvandi, Mehdi. 2018. Indexing of Contentment in Architecture. *Journal of Researches In Islamic Architecture(Jria)* 6(3):137-154. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1019-fa.html> [In Persian].
- Mahvash, Mohammad. 2017. Indexing of Ethical Concepts In Architecture,Case Study: Contentment. Ph.D. Thesis. Dr. Mehdi Saedvandi & Dr. Mehdi Hojjat. Art University of Isfahan [In Persian].
- Makarem Shirazi, Naser. 1995. Sample Interpretation-Volume 11. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya [In Persian].
- Malek Aslanian, E. 2008. "Color, State and Space" In Music and Architecture. In Book: Architecture and Music. Falamaki et al. 3nd Edition. Tehran: FAZA Scientific and Cultural Institute [In Persian].
- Moazzen, Sajjad. 2019. Contentment; The Importance of Intervention In The Historic Buildings of Islamic Architecture In Iran. International Conference on Civil Engineering, Architecture, Development and Regeneration of Urban Infrastructures In Iran. Tehran. <https://civilica.com/doc/1113593> [In Persian].
- Mousavi Bazargan, Seyyed Jalal. 2007. Components of Entrepreneurship. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research [In Persian].
- Najafi, Neda., & Alalhesabi, Mehran. 2022. Review of The Concept of Context In The Modernization of Rural Architecture(Case Study: Baliran village). *Journal of Economic geography research* 3(7): 20-41. doi: 20.1001.1.27173747.1401.3.7.2.7 [In Persian].
- Nami, Gholam Hossein. 2008. How The Process of Creating an Art Work. In Book: Architecture and Music. Falamaki et al. 3nd Edition. Tehran: FAZA Scientific and Cultural Institute [In Persian].
- Naraghi, Mehdi. 2015. Jame al-Saadat. Translated By: Karim Faizi. Qom: Ghaem Publications [In Persian].
- Nasr, Seyyed Hossein. 2010. Islamic Art Spirituality. Translated by: Rahim Ghasemian. Tehran: Hekmat Publications [In Persian].
- Nazari Moghaddam, Javad. 2022. Reflection of Work Culture In Gilan Popular Literature; Looking at Gilaki Proverbs. *Journal of Iranian Studies* 21(41): 717-756. doi: 10.22103/JIS.2022.18115.2212 [In Persian].
- Nowruzi Talab, Alireza. 1999. The Secret of The Religious Vision of Art. *Quarterly Journal of Art* (40): 117-127 [In Persian].
- Parchami, Moheb Allah. 1992. Poetry and literature of Gilan. *Journal of Persian Language and Literature Development* (29): 58-67 [In Persian].
- Pour Esa Chafjiry, Hamid., & Ghasemi Roshan, Ebrahim. 2021. Livelihood of Rural Structures. *The Geographical Studies of Coastal Areas Journal(GSCAJ)* 1(3): 73-98. doi: 10.22124/GSCAJ.2021.16955.1051 [In Persian].
- Qomi, Sheikh Abbas. 2019. Al-Maqamaat al-Alieh Fi Mojebate al-Saadah al-Abdiya. Research and Editing: Masoud Ansari. Qom: Ketahestan-e-Mareft Publications [In Persian].
- Razjoo, Mehrdad., & Matin, Mehrdad., and Emamgholi, Aghil. 2019. Analyzing the formation of social interactions in the rural housing of moderate and humid climate by using the method of space arrangement in the Guilan plain housing. *Quarterly Journal of Human Geography* 11(2): 371- 396 [In Persian].
- Rezaei, Parviz. 2007. The study of water risis in Guilan province and the solutions. *Journal of Studies of Human Settlements Planning* 1(3): 67- 75 [In Persian].
- Rezaei Ashtiani, Sima., & Mehdi Nejad, Jamaluddin. 2020. Manifestation of Contentment In The Friendly Energy of Traditional Iranian Architecture. The Third International Conference On Civil Engineering, Architecture And Urban Development Management In Iran. Tehran. <https://civilica.com/doc/1119291> [In Persian].

-
- Roshan, Belghis., & Yousefi Rad, Fatemeh., and Shabaniyan, Fatemeh. 2014. The Schematic Basis of the Metaphors in the Proverbs of Eastern Guilan. *Journal of Zaban Shenakht*(Language Study) 4(8): 75- 94 [In Persian].
- Rouhi Tavvaf, Mohammad Mehdi. 2015. Designing A House Model Based On Religious Rducation Methods. Master's Thesis. Dr. Somayyeh Omidvari. Faculty of Engineering Sciences. University of Science and Arts of Yazd [In Persian].
- Rumi, Jalal' udऽdin. 2009. The Mathnawi of Jalal' udऽdin Rumi. Translation: Reynold Alleyne Nicholson, Tehran: Karvan Publications [In Persian].
- Saadi, Sheikh Moslehuddin. 2012. Kolliat-e-Saadi, Edited by: Mohammad Ali Foroughi, Tehran: National Bank Publications [In Persian].
- Saadi, Sheikh Moslehuddin. 2005. Bostan. Eighth Edition. Correction: Gholamhossein Yousefi. Tehran: Kharazmi Publications [In Persian].
- Sadeghi Pey, Nahid. 2009. Squandering Viewpoints in Housing Design. *Journal of Housing and Rural Environment*(JHRE) 28(126):35-47. URL: <http://jhre.ir/article-1-67-fa.html> [In Persian].
- Saedvandi, Mehdi. 2009. Convincing Architecture. Ph.D. Thesis. Dr. Hadi Nadimi & Dr. Mahmoud Razjoyan. Faculty of Architecture and Urban Planning. Shahid Beheshti University [In Persian].
- Sartipi Pour, Mohsen. 2011. Rural Housing Phenomenology. *Journal of Housing and Rural Environment*(JHRE) 30(133):3-14 URL: <http://jhre.ir/article-1-13-en.html> [In Persian].
- Sartipi Pour, Mohsen. 2009. Pathology of Rural Architecture-Towards The Settlement of The Subject. Tehran: Shahidi Publications [In Persian].
- Soryani, Nasrin. 2002. Contentment and Architecture(A Comment On The Works and Principles of Contentment In House Architecture). Master's Thesis. Dr. Mahmoud Razjoyan. Faculty of Architecture and Urban Planning. Yazd University [In Persian].
- Shafiean, Mohammad Javad. 2016. The Position of Contentment In Islamic Life Style, Supervisor: Dr. Reza Shokrani, Ulum-e-Hadith Faculty.
- Behjat Tabrizi(Summarized by Shahriyar), Mohammad Hossein. 2015. Divan of Poems, Tehran: Negah Publications [In Persian].
- Shokohi Rad, Seyyed Homayun. 2005. The Vernacular Architecture of Guilan, An Example of Organic Architecture. *Journal of Housing and Rural Environment*(JHRE) (112):18-27 [In Persian].
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. 2005. *Tafsir Al-Mizan - Volume 14*. Translation: Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publications of the Seminary Teachers' Society [In Persian].
- Tahbaz, Mansoureh. & Jalilian, Sharbanoo. 2011. Compatibility Indicators with Climate in Rural Housing of Guilan Province. *Journal of Housing and Rural Environment*(JHRE) 30(135):23-42. URL: <http://jhre.ir/article-1-202-fa.html> [In Persian].
- Taleghani, Mahmoud. 2011. Moradi House, Guilan Rural Heritage(6); Central Jalga. Tehran: Matn Publications [In Persian].
- Tusi, Mohammad. 1999. Naseri Ethics. Tehran: Islamic Culture and Publishing Office [In Persian].
- Zamani, Pegah. 1999. An Introduction To The Presence of Nature In Architecture. In:"Proceedings of the 2nd Architecture and Urban Planning Congress"-Volume One, Kerman: Cultural Heritage Organization Publications [In Persian].